

باسمه تعالی

مسئولیت مدنی

تعریف الزامات خارج از قرارداد یا ضمان قهری: تکالیفی است که در نتیجه امر مشروع یا نامشروعی، بدون اینکه قرارداد صحیحی در میان باشد، پدید می آید.

مبنای الزامات خارج از قرارداد:

۱. واقعه حقوقی نافع: کسی به اشتباه پولی را به شخصی که ذی حق نیست بپردازد، دریافت کننده که بدون جهت و استحقاق، مالی را به دست آورده باید آن را به صاحبش برگرداند.

۲. واقعه حقوقی مضر و نامشروع: کسی عمداً یا بر اثر بی احتیاطی به دیگری خسارتی وارد آورد.

مصادیق الزامات خارج از قرارداد: (۱) ایفای ناروا (۲) اداره مال غیر (۳) استیفاء از عمل یا مال غیر (۴) غصب (۵) اتلاف (۶) تسبیب

شبه عقد: یعنی یک واقعه ارادی مشروع موجب التزام است. مثل: ایفای ناروا، اداره مال غیر.

شباهت و تفاوت عقد و شبه عقد: هر دو عمل ارادی مشروع اند، تفاوت: در شبهه عقد توافق اراده و تراضی طرفین برای ایجاد تعهد وجود ندارد در حالی که در عقد چیزی جز توافق اراده و تراضی نیست.

فصل اول: ایفای ناروا

۳۰۱-۳۰۵ ق.م

ایفای ناروا: آن است که کسی به اشتباه مالی را به دیگری تسلیم کند. مثال: شخصی دین خود را اشتباهاً به شخصی غیر از طلبکار بپردازد.

تفاوت ایفای ناروا و قرض: در قرض قراردادی بین ایفا کننده و کسی که مال به او تأدیه شده منعقد نشده است اما در قرض قراردادی در میان است.

شرایط سه گانه ایفای ناروا:

۱. عمل ایفای مال مادی: باید عمل انجام شده باشد که بتوان آن را ایفا نامید.

۲. فقدان دین: بین طرفین نباید دین باشد. سه فرض مطرح است:

الف) اصلاً دینی موجود نیست.

ب) ایفاء کننده مدیون نیست.

ج) دریافت کننده داین نیست. مثلاً بستانکار واقعی حسن است و مدیون علی را به جای حسن گرفته و دین خود را به او پرداخته.

۳. اشتباه مؤدی: یعنی اشتباه تأدیه کننده (م ۳۰۲ ق.م) بنابراین اگر با علم به اینکه علم به عدم دین دارد مالی را بپردازد حمل بر تبرع می‌شود.

اشتباه مؤدی شرط تحقق ایفای ناروا است اما اشتباه دریافت کننده شرط نیست (علم و جهل او بی‌تأثیر است و در هر حال ضامن است) م ۳۰۱ ق.م.

آثار ایفای ناروا

۱. ایفا کننده می‌تواند مالی را که پرداخت کرده است باز پس گیرد. دریافت کننده هم ملزم به بازگرداندن عین و در صورت تلف (حتی قوه قاهره - ۳۱۵ ق.م)، بازگرداندن مثل یا قیمت است. (۳۰۸ و ۳۱۷ ق.م) و همچنین ملزم به رد منافع مال است مثلاً مورد تأدیه خانه یا اتومبیلی بوده است، باید علاوه بر عین، منافع و به دیگر سخن اجرت‌المثل آن را نیز به صاحب مال بپردازد (۳۰۳ ق.م)

ممکن است اخذ کننده منافع را استیفاء نکرده باشد (غیر مستوفات) مثلاً اتومبیل را در گاراژ گذاشته و در خانه را قفل کرده و استفاده‌ای از آن نکرده باشد، در اینجا نیز اخذ کننده چه عالم به عدم استحقاق باشد و چه جاهل باید منافع استیفاء نشده را نیز بدهد چون باعث فوت منفعت و ایراد خسارت به صاحب مال شده است (اطلاق ماده ۳۰۳ ق.م) برخی معتقدند اخذ کننده ضامن منافع غیر مستوفات نیست چون تقصیری نداشته است و مالک با تسلیم مال خود به او سبب فوت منفعت شده است. (دکتر امامی)

۲. اگر متصرف عالم به عدم استحقاق خود باشد نمی‌تواند مخارج نگهداری مال را از مالک مطالبه کند (قاعده اقدام) مثال: مال تسلیم شده اسبی بوده و متصرف هزینه ای برای نگهداری آن کرده است. اما اگر متصرف جاهل به عدم استحقاق خود باشد، مقصر نیست و صاحب مال باید مخارج لازمه (مثل: علوفه) را به او پرداخت کند. تشخیص هزینه لازم و غیر لازم هم با عرف است. (م ۳۰۵ ق.م)

۳. اگر دریافت کننده اشتباهی مال، معامله ای نسبت به آن انجام دهد (مثلاً بفروشد یا اجاره دهد) این معامله فضولی است و تابع احکام مربوط به آن است. (۳۰۴ ق.م)

فصل دوم: اداره مال غیر

۳۰۶ ق.م

اداره مال غیر آن است که کسی مال غیر را به نفع و به حساب او اداره کند، بدون اینکه از طرف صاحب مال نمایندگی داشته باشد. مثال: در فصل زمستان همسایه ما به مسافرت رفته ما خانه او را برف روبی کنیم. یا بیماری به پزشک مراجعه کند و در مطب بر اثر شدت بیماری بیهوش شود و پزشک برای نجات جان وی اقدام به خرید دارو کند. (بنابراین اداره مال غیر اعم از جان و مال است).

اداره مال غیر شبیه وکالت است با این تفاوت که بین اداره کننده و صاحب مال قراردادی بسته نشده است. بنابراین از مصادیق شبه عقد است.

شرایط استفاده مال غیر:

۱. عمل اداره: اداره کننده باید عملی انجام داده باشد که عنوان اداره بر آن اطلاق شود. خواه عمل حقوقی، مثلاً قراردادی برای تعمیر خانه با بنا ببندد؛ یا عمل مادی مثلاً خود شخصاً خانه غیر را تعمیر کند یا برف آن را بریزد.

۲. اداره باید بدون اجازه مالک یا نماینده او و بدون الزام قانونی یا قراردادی انجام شده باشد.

۳. اداره کننده باید قصد اداره مال غیر را به نفع وی داشته باشد. چون اداره مال غیر یک نوع شبه عقد است و قصد و اراده از شرایط آن محسوب می‌شود. بنابراین اگر مالک مال مشترک بدون اجازه شریک، اقدام به اداره کند، برای اینکه از ضرر خود جلوگیری نماید، بدون اینکه قصد اداره مال غیر را داشته باشد، نمی‌تواند برای قسمتی از مخارج به شریک رجوع کند. اما اگر علاوه بر نفع شخصی قصد اداره مال غیر را هم داشته باشد می‌تواند به شریک رجوع کند.

بنابراین صغیر غیر ممیز یا مجنون که فاقد اراده هستند عملی به سود مالک انجام دهند یا شخصی به اشتباه اقدام به اداره مال غیر کند (تعمیر کولر همسایه) در حالی که قصد اداره مال (کولر) خویش را داشته مشمول ماده ۳۰۶ ق.م.نخواهد بود.

۴. باید تحصیل اجازه در موضوع مقدور نباشد و یا تأخیر در دخالت موجب ضرر باشد. مثلاً صاحب مال در کشور دیگر است و برف سنگینی بر بام خانه او نشست و کسب اجازه از مالک مدتی به طول می‌انجامد و در صورت عدم اقدام فوری به صاحب خانه خسارت وارد می‌شود در این صورت اداره مال غیر، مجاز است.

آثار اداره مال غیر:

۱) آثار بین مالک و اداره کننده: ۱. وظیفه اداره کننده؛ با توجه به اینکه اداره مال غیر شبیه عقد وکالت است می‌توان گفت: باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت صاحب مال را رعایت کند (۶۶۷ ق.م). بنابراین اداره کننده نمی‌تواند کاری را که آغاز کرده است، برخلاف متعارف، ناتمام بگذارد، بلکه باید آن را تا هنگامی که مال را تحویل مالک یا قائم مقام او نماید ادامه دهد. ۲. وظیفه مالک: مالک موظف است مخارجی لازم‌های که اداره کننده متحمل شده است بپردازد، پس اگر اداره کننده هزینه‌هایی کرده که برای اداره مال و جلوگیری از ضرر مالک لازم نبوده است، مثلاً خانه را نقاشی کرده، مالک موظف به تأدیه هزینه مزبور نیست. زیرا اداره کننده از حد متعارف خارج شده است و مخارج غیر لازم را خود او باید متحمل شود.

هر گاه مدیر در جریان اداره مال آسیب ببیند، مثلاً هنگام متوقف کردن اسب فراری دیگری مجروح شده باشد، می‌تواند هزینه درمان خود را به‌عنوان هزینه لازم از مالک مطالبه کند.

۲) آثار نسبت به اشخاص ثالث. مثلاً اداره کننده برای اداره مال غیر، قراردادی با شخص ثالث (بنا) منعقد کرده است. دو احتمال دارد: ۱- اداره کننده به نام خود قراردادی منعقد می‌کند، در این صورت خود او در مقابل متعهد له مسئول است مگر اینکه ثابت کند که به حساب دیگری قرارداد بسته است (۱۹۶ ق.م)؛ ۲- اداره کننده در حدود اداره مال غیر، به نام مالک قراردادی با شخص ثالث منعقد می‌کند، در این فرض اثر قرارداد برای مالک خواهد بود و چنانچه از حدود اداره مال غیر خارج نشده باشد،

(مثل وکیل) اثر تعهد برای مالک خواهد بود و متعهد له باید اجرای آن را از مالک بخواهد نه اداره کننده، مگر اینکه اداره کننده پرداخت دین مالک را ضمانت کرده باشد.

۳) اداره کننده اصولاً مسئول تلف یا نقص نیست. اداره کننده مسئول تلف یا نقص مال مورد تصرف خود نیست (پد امانی) مگر اینکه مرتکب تعدی یا تفریط (تقصیر) شده باشد (م ۶۳۱ ق.م) البته امانت مدیر مال غیر، امانت قانونی است نه قراردادی، چون اختیارات وی ناشی از حکم قانون است نه قرارداد.

تصرفات مدیر مال غیر در موارد زیر مشمول مقررات غصب است و از شمول ماده (۳۰۶ ق.م) خارج است:

۱. اگر مالک یا نماینده مالک وی را از عمل اداره منع کرده باشد.
۲. اگر تحصیل اذن مالک به موقع مقدور بوده باشد.
۳. اگر تأخیر در امر اداره موجب ضرر مالک نباشد.
۴. اگر مدیر مال غیر، مال را در غیر غبطه و صلاح مالک به کار برده باشد.
۵. اگر مدیر پس از اقدام به اداره اقدام خود را در اسرع وقت به اطلاع مالک نرسانده باشد.

غصب

۳۰۸-۳۲۷ ق.م

غصب یعنی: استیلاء بر حق غیر به نحو عدوان.

شرایط لازم برای تحقق عنوان غصب:

۱. استیلاء: شخص باید مال دیگری را به طور مادی و عملی تصرف کند. (۳۰۹ ق.م)
۲. بر حق غیر: برخی اساتید معتقدند حق در ماده (۳۰۸ ق.م) شامل مال و حق می‌شود. مانند حق تحجیر یا قوطی کبریت خالی که مالیت ندارد.
۳. به نحو عدوان: عدوان هنگامی صدق می‌کند که متصرف با علم به اینکه مال از آن دیگری است و اجازه تصرف آن را ندارد بر آن استیلاء یابد. هر گاه آغاز تصرف با اذن مالک بوده، ولی پس از قطع اذن تصرف ادامه یافته است یا تصرف ناشی از عقد فاسدی بوده یا متصرف به تصور اینکه مال متعلق به خود اوست آن را تصرف کرده است، عمل در حکم غصب یا شبه غصب است و احکام غصب بر آن جاری خواهد شد.

مسئولیت غاصب

۱. عین مال مغضوب موجود و رد آن ممکن است، باید عین را به مالک برگرداند. (۳۱۱ ق.م)

۲. عین موجود است اما به هر دلیلی از قیمت و مالیت افتاده است (بی ارزش شده است)، باید بدل آن را به مالک بدهد. (۳۱۳ ق.م)

۳. عین موجود است، اما بهای آن بر اثر کار غاصب افزایش یافته است (شمش طلا را به گردنبد تبدیل کرده است)، عین را به مالک بر می گرداند بی آنکه چیزی بابت افزایش قیمت به غاصب بدهد. (قاعده اقدام)

۴. عین موجود است، بهای آن بر اثر کار غاصب افزایش یافته است، اما این افزایش ناشی از افزودن عین (مال مادی) باشد (طلا را به انگشتر تبدیل کرده و نگین هم به آن اضافه کرده است) عین افزوده شده (نگین) متعلق به غاصب است. (۳۱۴ ق.م)

اشکالات وارده بر ماده ۳۱۴ ق.م؛

الف) هدف از مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان دیده است نه دارا کردن ناعادلانه او

ب) حکم این ماده غیر از غصب شامل شبهه غصب (کسی بدون علم و آگاهی بر مال غیر استیلاء یابد) نیز می شود. و از خریدار با حسن نیت حمایت به عمل نیامده این با عدالت سازگار نیست.

ج) این ماده به مال مادی بیشتر از کار و عمل بها داده است (عین مال غاصب است، ولی عمل غاصب که موجب افزایش قیمت است، بهایی ندارد.

۵. عین موجود است، اما در اثر عمل غاصب قیمت آن افزایش چشمگیری داشته است (با سنگ مجسمه ای با ارزش ساخته است) عین در حکم تلف است و مالک فقط حق مطالبه مثل یا قیمت مال مغضوب را دارد.

مسئولیت غاصب در صورت تلف مال مغضوب؛

۱. عین مغضوب تلف شده، غاصب باید مثل یا قیمت آن را بدهد.

۲. عین مغضوب تلف نشده، ولی رد عین ممکن نیست (مثلاً مال سرقت شده) غاصب باید بدل حیلولة بدهد.

نکته: بدل حیلولة ماهیت غرامت دارد و دریافت کننده مالک بدل می شود، لکن از آنجا که جمع بین عوض و معوض (بدل و اصل) روا نیست چنانچه غاصب عین را برگرداند، مالک می تواند بدل را پس بدهد و عین مال خود را به دست آورد.

سوال: اگر مال تلف شده قیمت باشد، قیمت در چه زمان و مکانی باید به مالک داده شود؟ قیمت زمان تلف ملاک عمل است. و اگر مال مثلی بوده ولی الان مثل آن در بازار یافت نشود، در این فرض غاصب مکلف به پرداخت قیمت حین الاداء یعنی بهای زمان پرداخت است. (۳۱۲ ق.م)

سوال: هر گاه قیمت مکان غصب با قیمت مکان تلف متفاوت باشد، قیمت کدام محل باید به مالک داده شود؟ قیمت مکان ملاک عمل است. با وجود این، هر گاه قیمت مکان غصب بیشتر باشد، مالک می تواند تفاوت قیمت را نیز از باب مسئولیت مدنی مطالبه کند.

مسئولیت غاصب در صورت نقص یا عیب مال مغضوب

۱. عین موجود است، اما در زمان تصرف غاصب در آن نقص و عیبی بوجود آمده است، (مثلاً خانه را غصب کرده و در زمان تصرف او سیل یا زلزله خانه را خراب نموده است) غاصب در هر صورت مسئول جبران خسارت است (۳۱۵ ق.م).
 نکته: غاصب نه فقط ضامن عین یا بدل مال مغضوب است، بلکه نسبت به منافع آن نیز مسئول است هر چند از آن استفاده نکرده باشد (غیر مستوفات) (۳۲۰ ق.م).

مسئولیت غاصبین متعدد (تعاقب ایادی)

مالک می‌تواند عین و در صورت تلف عین، مثل یا قیمت مال مغضوب را از هر کدام از غاصبین بگیرد. چون مسئولیت غاصبین تضامنی است. (۳۱۷ ق.م)

اگر مالک تشخیص دهد هیچ یک از غاصبین به تنهایی قادر به پرداخت همه قیمت نیستند، می‌تواند آن را به چند جزء تقسیم کرده و از همه غاصبین دریافت کند، اما نمی‌تواند حق خود را چند بار بگیرد. (۳۱۹ ق.م)

نکته: هر یک از غاصبین فقط به اندازه زمان تصرف خود و غاصبین بعد از خود ضامن منافع مال مغضوب هستند اگرچه استیفای منفعت نکرده باشند. (۳۲۰ ق.م)

هر گاه مالک، ذمه یکی از غاصبین را نسبت به مثل یا قیمت مال مغضوب ابراء کند، ذمه همه غاصبین بری می‌شود. (چون ابراء از موجبات سقوط دین است) (۳۲۱ ق.م)

اما اگر مالک ذمه یکی از غاصبین را نسبت به منافع زمان تصرف او ابراء کند، این ابراء فقط موجب براءة ذمه همان شخص خواهد شد نه غاصبین دیگر (۳۲۲ ق.م) و اگر مالک ذمه یکی از غاصبین را به کل منفعی که بر عهده اوست ابراء کند، ذمه غاصب نسبت به منافع زمان تصرف خود و غاصبین بعدی بری می‌شود و مالک نمی‌تواند به هیچ یک از آنان برای منافع رجوع کند.

رجوع هر یک از غاصبین به دیگری

مالک به غاصبی رجوع می‌کند که مال مغضوب در دست او تلف شده است، آن شخص حق رجوع به غاصبین دیگر را ندارد و خود باید خسارت را به مالک بپردازد.

مالک به غاصبی رجوع می‌کند که مال مغضوب در دست او تلف نشده است، غاصب مثل یا قیمت مال مغضوب را به مالک می‌دهد، و خود به کسی که مال در دست او تلف شده یا به یکی از غاصبین بعد از خود رجوع می‌کند و... تا منتهی شود به کسی که مال مغضوب در دست او تلف شده است و ضمان قطعی بر عهده او خواهد بود. (۳۱۸ ق.م)

هر گاه یکی از غاصبان با ادعای اینکه مال مغضوب متعلق به خود اوست آن را به دیگری فروخته باشد، نمی‌تواند برای آنچه به مالک پرداخته است به مغرور رجوع کند. هر چند که مال مغضوب در دست مغرور تلف شده باشد. (چون ضمان غرور اقوی از ضمان تلف است و مسئولیت در این فرض بر عهده غار قرار می‌گیرد)

معامله نسبت به مال مغضوب

اگر کسی مال مغضوب را از غاصب بخرد، آن کس نیز مانند غاصب ضامن است. و از این جهت فرقی بین مشتری عالم به غصب و مشتری جاهل به غصب نیست. (۳۲۳ ق.م.)

اگر مشتری جاهل به غصب باشد، می‌تواند اولاً ثمن معامله را از بایع غاصب پس بگیرد، زیرا معامله در صورت رد مالک، باطل است، ثانیاً خسارت خود را از بایع دریافت کند، مقصود از خسارت هزینه های زیر است:

الف) هزینه ای لازم برای انجام دادن معامله

ب) هزینه های لازم برای نگهداری مال مغضوب

ج) خسارت دادرسی (اگر به دادگاه مراجعه کرده باشند)

د) عوض منافع مدت تصرف خود که به مالک پرداخته است. (چون مشتری تصور می کرده که در برابر ثمن مجاناً از منافع مال برخوردار می‌شود، پس باید بتواند در عوض منافع استیفاء شده که به مالک پرداخته به بایع غاصب رجوع کند) (۳۲۵ ق.م.)

ه) تفاوت مبلغ ثمن و آنچه مشتری به‌عنوان مثل یا قیمت به مالک داده است.

نکته: اگر مالک برای مثل یا قیمت و منافع مال خود به بایع رجوع کند، بایع حق رجوع به مشتری جاهل به غصب را ندارد. (۳۲۵ ق.م.)

اگر مشتری عالم به غصب باشد غاصب است (۳۲۴ ق.م.) و به مقدار ثمن حق رجوع به بایع را دارد نه همه آنچه که بابت عوض مال و خسارت به مالک داده است. (۳۲۶ ق.م.) در مورد منافع هم مشتری عالم به غصب همانند تعاقب ایادی در غصب است.

استیفاء از عمل غیر

استیفاء: یعنی کسی از کار دیگری بدون سبب قانونی یا قراردادی بهره مند شود. (۳۳۶ ق.م.)

شرایط تحقق استیفاء:

الف) باید عملی بر حسب امر دیگری انجام شده باشد.

ب) باید عرفاً برای آن عمل اجرتی باشد، یا عامل عادتاً خود را مهیا کرده باشد که آن عمل را در مقابل عوض انجام دهد.

ج) باید اجرت قبلاً تعیین نشده باشد.

در صورتی که استیفاء از عمل غیر با شرایط مذکور محقق گردد، عامل میتواند اجرت‌المثل عمل خود را مطالبه کند. (۳۳۶ ق.م.)

شرایط تحقق استیفاء از مال غیر:

الف) باید کسی از مال دیگری استیفاءی منعت کند (یعنی برخوردار شده باشد)

ب) باید استیفای منفعت بر حسب اذن صریح یا ضمنی مالک باشد.

ج) باید اجرت قبلاً تعیین نشده باشد.

در صورت تحقق شرایط مذکور، صاحب مال مستحق اجرت المثل است.

توضیح چند اصطلاح؛

۱. جرم و شبه جرم: مقصود از جرم در باب مسئولیت مدنی جرم مدنی، یعنی عمل نامشروع زیان آور عمدی است. اگر عمل نامشروع زیان آور، غیر عمدی و ناشی از بی احتیاطی یا بی مبالاتی باشد، شبه جرم نامیده می شود.

۲. اتلاف: آن است که کسی مال دیگری را شخصاً و به طور مستقیم تلف کند. مثلاً شخصاً حیوان دیگری را بکشد.

۳. تسبیب: عبارت است از ایراد خسارت به دیگری به طور غیر مستقیم و از طریق ایجاد سبب. مثلاً سگی را تحریک کند و سگ به دیگری ضرر برساند.

۴. تقصیر: عبارت است از رفتار نامتعارف یا خروج از رفتار متعارف. که اگر قصد نتیجه وجود داشته باشد تقصیر عمدی است و اگر قصد نتیجه نداشته تقصیر غیر عمدی است.

۵. تعدی و تفریط: تعدی آن است که شخص عملی را انجام دهد که نباید انجام دهد و تفریط عبارت است از ترک عملی که شخص باید انجام دهد. (۹۵۱-۹۵۲ ق.م)

۶. بی احتیاطی: شامل هر گونه تقصیر غیر عمدی، اعم از فعل و ترک فعل است.

۷. بی مبالاتی: ترک غیر عمدی عملی است که شخص باید انجام دهد و به دیگر سخن «ترک تحفظ» و مواظبت و احتیاط لازم است. مانده راننده ای که با وجود نقص اساسی در اتومبیل آن را برطرف نمی کند و از این راه به مسافر یا صاحب کالا ضرر می زند.

۸. غفلت: غفلت ترک غیر عمدی فعلی است که شخص باید انجام دهد و به تعبیر دیگر غفلت عدم توجه است.

۹. مسامحه: در مقابل عمد به کار رفته که به معنی بی احتیاطی به مفهوم عام است. (۳۳۵ ق.م)

۱۰. خسارت: یک معنای آن زیان وارده شده و دیگری مالی که باید از طرف عامل زیان به زیان دیده داده شود. که گاهی به آن غرامت نیز می گویند.

مبنای مسئولیت مدنی

الف) نظریه تقصیر؛ فقط کسی را می توان مسئول شناخت که مرتکب تقصیر شده باشد و اثبات آن بر عهده زیان دیده است. این نظریه کافی نیست و پاسخگوی نیازهای اجتماعی نبود، زیرا در حوادث و خسارات ناشی از نقایص مکانیکی بر فرض اینکه عامل آن مقصر باشد، زیان دیده نمی تواند تقصیر را ثابت کند و خسارت بدون جبران می ماند که برخلاف عدالت و انصاف است.

ب) نظریه خطر: شخصی که از فعالیتی سود می برد باید ضررهای ناشی از آن را هم تحمل کند. بنا بر این نظریه فعالیت اقتصادی سودآور موجب مسئولیت است، هر چند که تقصیری در میان نباشد. و زیان دیده فقط باید ثابت کند که ضرر ناشی از فعالیت سودآور خوانده بود است.

ایراد مهمی که بر این نظریه وارد شده است این است که هر فعالیتی دارای نفع و دست کم نفع معنوی است و اگر بگوئیم شخص باید کلیه زیان های ناشی از عمل خود را جبران کند کارها از ترس مسئولیت فلج خواهد شد. و چه بسا زیان دیده نیز از فعالیت یا عدم فعالیت خود سود می برد. پس چرا خسارت باید فقط به وارد کننده زیان تحمیل شود؟

ج) نظریه های مختلط؛

ر) نظریه تحلیل اقتصادی؛

د) نظریه تضمین؛

ه) نظریه تضمین گروهی؛ اشخاصی که در معرض مسئولیت هستند مبلغی به عنوان حق بیمه پرداخت می کنند و در صورت وقوع ضرر، بیمه گر به جای شخص مسئول، خسارت می پردازد. در واقع تضمین گروهی که مبتنی بر همبستگی اجتماعی است جایگزین مسئولیت فردی می گردد.

و) نظریه تقصیر به مفهوم نوعی؛ برای احراز تقصیر، عمل شخص بدون در نظر گرفتن وضعیت روانی او با عمل یک فرد متعارف مقایسه می شود و از این رو صغیر غیر ممیز و مجنون هم می تواند مقصر باشد.

نظریه مورد قبول: مفهوم نوعی تقصیر با فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران بیشتر سازگار و از نظر مصلحت اجتماعی هم بیشتر قابل قبول است و در واقع واسطه بین تقصیر به مفهوم سنتی و خطر است.

مبنای مسئولیت در قانون مدنی و مجازات چیست؟

در قانون مدنی: نظریه اول) در تسبیب، تقصیر شرط است ولی در اتلاف، تقصیر شرط نیست و مسئولیت نوعی کافی است. نظریه دوم) در تسبیب نیز تقصیر شرط نیست بلکه در اکثر موارد، برای احراز رابطه سببیت اثبات تقصیر لازم است نه آنکه تقصیر رکن مستقلی در مسئولیت باشد. (دکتر صفائی)

در قانون مجازات: درباره خسارات بدنی غیر عمدی مستوجب دیه، تقصیر شرط نیست در سائر جرائم غیر عمدی مثل جرائم رانندگی که موجب خسارت بدنی نباشد تقصیر شرط مسئولیت کیفری است.

فرق بین اتلاف و تسبیب:

۱. در اتلاف تقصیر شرط مسئولیت نیست، ولی در تسبیب شرط است.

۲. در اتلاف ایراد خسارت به طور مستقیم و بی واسطه است ولی در تسبیب به طور غیر مستقیم و از طریق ایجاد سبب است.

۳. در اتلاف، ضرر با عمل مثبت پدید می آید، اما در تسبیب ممکن است با فعل یا ترک فعل هم به وجود بیاید.

نکته: به نظر می‌رسد معیار تفکیک اتلاف از تسبیب عرف است.

ارکان مسؤلیت مدنی؛

برای اینکه شخص مسؤل و مکلف به جبران خسارت وارد به دیگری باشد سه رکن لازم است:

۱. ضرری که به خواهان وارد شده است.

۲. تقصیر وارد کننده زیان.

۳. رابطه سببیت؛ یعنی باید اثبات شود که زیان وارد شده به خواهان ناشی از تقصیر یا، در موارد استثنای، فعل زیان آور خوانده بوده است.

۴- ضرر در تنهیم لطمه به حق شخص یا نفع مشروع او پیدا آمده باشد.

سؤال: اگر شخصی به قتل برسد که از برادر و فرزند خویش حمایت مالی کامل می‌کرد
آیا برادر و پسر او می‌توانند از قاتل مطالبه خسارت کنند

جواب: فرزند او می‌تواند، چون دارای حق نفق است و قتل پدر، تجاوز به حق نفق او می‌باشد.

در باره برادر نیز دکتر کاخوریان می‌گوید تجاوز به حق صارق نیست، ولی
دکتر صفائی با تشکیک به اخلاق عمومی و عرف آن را تجاوز به حق می‌داند.

۵- ضرر قبلاً جبران شده باشد.

سؤال: آیا زیان دیده می‌تواند علاوه بر دریافت مبلغ از بیمه، به زیان زنده نیز رجوع کند

جواب: نه به ماهیت و نوع بیمه بستگی دارد. اگر بیمه از نوع بیمه مسئولیت
بیمه اموال باشد نمی‌تواند. ولی در بیمه‌هایی که بیمه خسارت نیستند مثل
بیمه عمر، می‌توان هم به ضرر زنده رجوع کرد و هم به بیمه.

۶- ضرر قابل پیش بینی باشد. بنا بر این اگر شخصی بر اثر ترمز ناگهانی قطار

در چار جاده قتل شود، راه آهن مسئول نیست. "یا اگر شخصی در مکانی

آتش روشن کند و بداند آتش به جایی سرایت نمی‌کند و غالباً نیز سرایت

نکند، در صورت سرایت اتفاق، ضمانت ثابت نیست." م ۵۵ ق ۱.

نکته: قابلیت پیش بینی علت یا ماهیت ضرر، کافی برای مسئولیت است

و پیش بینی مقدار ضرر لازم نیست.

اقسام ضرر:

۱- مادی: تلف شدن مال یا فوت منفعت (عدم النفع) است

۲- معنوی: تجاوز به حقوق غیر مالی اشخاص

۳- بدنی: ضرر وارد بر جسم انسان است؛ که گاهی به صورت درد و رنج، گاهی به

صورت هزینه‌های مالی مثل معالجه و گاهی ترکیب از این دو است. Sean.

سؤال: آیا فوت منفعت یا عدم النفع در قانون ایران قابل مطالبه است؟

جواب: در مورد فوت منفعت (عدم النفع) احتمالی، همه اجماع دارند که ضرر به حساب نمی آید ولی در مورد فوت منفعت قطعی و مسلم قوانین متعددی است که قابل استنادند از جمله ماده ۵ و ۶ ق م م که حکم به جبران خسارت ناشی از کم شدن قوه کار کرده که صدق از عدم النفع است. همچنین در ماده ۱۳۳ لایحه اصلاحی ق ت ۱۳۴۷ آمده که ضرر اعم است از ورود خسارت یا تقویت منفعت. به علاوه م ۱۴ ق آ د ک نیز می گوید شایسته می تواند جبران نماید ضررها را و معنوی و منافع ممکن الحصول ناشی از مرگ را مطالبه کند.

سؤال: در قانون آرم، ماده ۲۶۷ و تبصره ۱ م ۵۱۵ آمده که ضرر و زیان ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست. رفع تعارض این مواد با مواد بالا چگونه است؟

جواب: در تفسیر این عبارت چند نظریه وجود دارد:

۱- مراد از مواد قانون آرم، خسارت است که به عدم النفع تعلق می گیرد، یعنی نمی توان از عدم النفع که قابل مطالبه است، خسارت آن را نیز مطالبه کرد. اشکال: این تفسیر خلاف ظاهر ماده و بدون مبانی فقهی است.
۲- عدم النفع ناشی از جرم کفیری قابل مطالبه است ولی عدم النفع ناشی از جرم مدنی قابل مطالبه نیست.

اشکال: این تفسیر غیر منطقی است زیرا ماهیت این دو نوع ضرر یکی است.

۳- منافع ممکن الحصول و عدم النفع، دو معنای خاص و متفاوت اند که در ذیل عنوان عدم النفع به معنای عام قرار می گیرند که تنها منافع ممکن الحصول قابل مطالبه هستند (نه عدم النفع به معنی خاص) طبق نص قانون.

اشکال: صاحب این نظریه خود تفسیر دارد که مطالبه عدم النفع معنای فقهی دارد.

۴- نظر دیگر صرفاً آنست که آنچه که قابل مطالبه است منافع ممکن الحصول یا عدم النفع قطعی است و مراد از مواد قانون آرم، عدم النفع احتمالی است که قابل مطالبه نیست.

سؤال: آیا مقصود از ابطال تلف کردن مال معین مورد است یا مال محقّق
المحصل در آینده را نیز شامل می شود؟
جواب: منفعت مسلّم آینده نیز مال یا در حکم مال محسوب می شود و عدم
النفع قطعی، مشمول قاعده ابطال است.

ضرر معنوی: در اصل اقا ۱۷۱ ق ۱ در مواد ۱، ۲، ۸، ۹ و اقا ۱۷۱ م ۱
و در تبصره ام ۱۴ ق ۱۰ آ. د. ک به آن اشاره شده و آمده که خسارت
خسارت معنوی، از طریق مالی نیز مجاز است.

سؤال: آیا حق مطالبه خسارت معنوی به اربث می رسد یا خیر؟
جواب: به نظر من، خسارت معنوی به اربث نمی رسد چون حق قائم به شخص است
ارائه شده است. ۲- دکتر صفایی به اربث می رسد، زیرا اربث ادایم در ضرر
شفافیت متوفی هستند و این نظر اعدالت و انصاف سازگارتر است
۳- اگر شخص قبل از فوت، از طریق قضائی مطالبه خسارت
کرده باشد و قبل از صدور حکم بمیرد، و ورثه قائم نقلاً او خواهد بود ولی
اگر قبل از فوت اقامه دعوا نگردد، به اربث نخواهد رسید.

نکته: طبق م ۵۱۸ ق ۱، "شخص حقوقی از کلیه حقوق شخص طبیعی برخوردار
است مگر حقوق مختص به انسان مثل ایبوت و پیبوت"؛ بنا بر این می توان
گفت شخص حقوقی می تواند در زیان های معنوی، مطالبه خسارت کند و
کسر حیثیت و اعتبار از حقوق مختصه به انسان نیست.

ضرر بدنی: حق مطالبه خسارت بدنی از اصل صحت جسم انسان ناشی
می شود. در فرضی که ضرر ناشی از صدور به سلامت جسم شخص باشد، علاوه
علاوه بر مطالبه هزینه های معالجه مثل هزینه های پزشکی، می توان مبلغی به عنوان
دریافت خسارت ناشی از کم شدن قدرت کار او یا زیان های معنوی نیز قبیل
ربح روحی و معنوی و... را نیز مطالبه کند. در فرضی که صدمه Sevan

و در برجم انسان، منتهی، فوت شود، ورثه متوفی، عنوان قائم مقام متفرق
یا اصیل، می توانند مطالبه خسارت کنند.

سؤال: آیا اشخاص ثالث یا ورثه می توانند با این عنوان که، احساسات آنها لهه دارد
شده است، مطالبه خسارت معنوی کنند؟

جواب: در مورد ^{اشخاص} ثالث نمی توان زیر اوصاف جامع، اقتضای می کند که در این چنین
افراد محدود گردد. ولی در مورد ورثه، در روی قضائی فرانسه است، عمر
فرزند و پدر مفروض دانسته شده است.

سؤال: آیا خسارات زائد بردیم، نیز قابل مطالبه است؟

جواب: در ماهیت دیه اختلاف است، و عده ای می گویند ماهیت کفری دارد
عده ای ماهیت مدنی برای آن قائلند و عده ای می گویند ماهیت مختلط دارد.
در قابل مطالبه بودن خسارات زائد بر مقدار دیه اختلاف است گروهی می گویند
آن را قابل مطالبه نمی دانند. آنان با استناد کردن به رأی وحدت رویه شماره **۱۳۶۸** مورخ
۱۳۶۸/۹/۲۶ این نظر معتقد **شدند**. گروهی دیگر با استناد بر رأی اصحابی شماره
۱۳۷۴ مورخ **۱۳۷۴/۴/۱۲** می گویند این رأی عدول از رأی قبل دیوان است
به علاوه اینکه چند دلیل می آورند که اولاً قانون دیات مفید نفس جبران سایر خسارات
نیست. ثانیاً وارد از خسارت، ضرر عرفی است که شامل خسارت زائد بردیم نیز
می شود. ثالثاً قاعده لاضرر و سبب و ایتلاف به این حکم می کند. رابعاً مواد **۱۳۷۱** و **۱۳۷۲**
ق م م مشعر به این نوع خسارات نیز هست.

سؤال: بنا بر نظر قابل مطالبه بودن خسارت زائد بردیم، فائده تعین در چیست؟

جواب: به حکم قانون در مورد خسارات بدنی، حداقل میزان خسارت معین
شده و زیان دیده، از اثبات میزان خسارت تا حدی که معاف است، مگر
اگر زیان دیده نخواهد زائد بر میزان دیه مطالبه خسارت کند، باید آن را اثبات
Sevan نماید که میزان ضرر بیش از مبلغ دیه بوده است.

تفسیر: عبارت از تقاضای رفتار انسان متعارف می‌نماید یا تقریباً.

در مسئولیت مدنی برخلاف مسئولیت اخلاقی، شدت تقصیر و میزان زیستن آن فاعل تا آثارش ندارد و صرف تحقق تقصیر بران مسئولیت کافی است (بر خلاف حقوق قدیم فرانسه) لیکن تفاوتی میان تقصیر عمدی و غیر عمدی وجود دارد از جمله اینکه ضابطه تقصیر عمدی را در برین گیرد

۱. توافق بر عدم مسئولیت مدنی نیست، تقصیر عمدی باطل و خلاف علم عمومی است
۲. معیار تقصیر عمدی تقصیر (غیر روانی) است نه نوعی

نکته: در مورد تقصیرهای شغلی و حرفه‌ای، باید رفتار آنها با رفتار متعارف یک شخص متخصص در آن حرفه و شغل مقایسه شود مثلاً رفتار یک پزشک با رفتار یک پزشک متعارف از زیاده‌مندی است.

سؤال: مسئولیت و تعهد صاحبان شغل و حرفه در مقابل مراجع کنندگان یا تعهد به نتیجه است یا تعهد به وسیله؟

جواب: قبل از بیان جواب، باید گفت این تقیم همیشه در صحت نیست و خاص یک شخص در خصوص تعهدات او هم تعهد به وسیله وجود دارد و هم تعهد به نتیجه مثلاً اگر چیزی تعهد وکیل، تعهد به وسیله است نسبت به برنده شدن در دعوا، لیکن نسبت به امور دیگری مانند حضور در جلسه رسیدگی، دادن لایحه و دفاع از سرگسل، تعهد به نتیجه دارد. در حال در پاسخ سؤال فوق باید گفت که اغلب تعهدات قراردادی از نوع تعهد به نتیجه و اکثر تعهدات خارج از قرارداد، تعهد به وسیله اند.

نوع تعهدات پزشک نیز قابل بررسی است: طبق م ۴۹۵ ق ۱۲۱۴ پزشک اصولاً مسئول زیان همان وارد می‌باشد اما و اگر نتیجه عدم تقصیر او اثبات شود یا برآشت اخذ کرده باشد در این فرض نیز باز باید بر تکلیف تقصیر نشده باشد. این ماده بیانگر بسا «اماره تقصیر» است؛ برای این معنی که بران مسئولیت، اثبات تقصیر لازم نیست

و بار اثبات عدم تقصیر بر عهده پزشک است، اما اگر پزشک شرط برائت
از ضمان کرده باشد، بار اثبات تقصیر بر عهده زیان دیده است.

سؤال: آیا شرط برائت از مسؤلیت صحیح است نسبت به دینی که هنوز ایجاد
نشده است؟

جواب: نظر به اول: این شرط (همانند شرط برائت پزشک قبل از معالجه)

صحیح نیست و در فقه آن «ابراء مالیم حیب» می گویند
نظر به دوم: این ابراء صحیح است و موجب عدم مسؤلیت پزشک
در آینده می شود، زیرا احاطه به معالجه نیازمند است.

نظر به سوم: همان نظر به «اعاذه تقصیر» است که توضیح داده شد که طبق
م ۴۹۵ و ۴۹۷ ق م ا، در صورتی که پزشک مرتکب تقصیر شده
باشد، حتی اگر برائت اخذ کرده باشد ضامن است و تنهادر
صورت اخذ برائت، بار اثبات تقصیر بر عهده خوانعان است.

مسؤلیت قاضی: طبق قاعده، تعهد او تعهد برائت است و منظور از
تقصیر قاضی در اصل ۱۷۱ ق ا، تقصیر عمدی است و قاضی در صورتی
ضامن است که با عمد و سوء نیت مرتکب تقصیر شده باشد، در غیر این
صورت، ضمانت از بیت المال برداشت می شود (م ۱۳ ق م).

تقصیر در اعمال ورزشی: تقصیر در اینجا نیز به معنای تجاوز از رفتار اینها
است ولی باید رفتار ورزشکار متعارف در هر رشته خاص ورزشی
جداگانه مورد توجه قرار گیرد. مثلاً رفتار متعارف ورزشکار بوکس با یک
بوکس دیگر سنجیده شود، نه با یک فوتبالیست.

سؤال: آیا خطاهای ورزشی نیز از نظر حقوقی ضمان آور هستند؟

جواب: بل اینگونه ممکن است با استناد به بند ۳ م ۱۵۸ ق م، پاسخ مثبت بدیم ولی
باید به رضایت شرکت کنندگان در آن ورزش نیز توجه کرد و به طور مطلق پاسخ مثبت
ندارد. البته صدقات عمدی یا در حکم عمد، حتماً ایجاد مسؤلیت می کند و همچنین
صلوات و ضمانت ناشی از نقض مقررات ایمنی در مقررات اداره بازی.

علل موجبه (رافع تقصیر) :

برخی عناوین و عوامل ، توجیه کننده و مشروع کننده فعل زیانبار و به تعبیری رافع تقصیر است. باعث می شود مسئولیت مدنی بر آن شخص ایجاد نگردد (که عمدتاً از

۱- حکم قانون : مثل سلب مالکیت ، حکم قانون و در راه مصالح عمومی یا توقیف اموال مدیون .

۲- دستور مقام صالح قانونی : دستور مافوق در صورتی رافع مسئولیت است که برخلاف قوانین و مقررات نباشد یا اگر باشد ، مأمور بتواند مخالفت و مقاومت در برابر آن را نداشته باشد .

۳- دفاع مشروع : دفاع از مال یا جان یا عرض یا ناموس خود یا دیگری است که چنانچه شرط دارد ، ۱- تجاوز یا حمله باید مشروع باشد .

۲- فعلیت داشته یا قریب الوقوع باشد .

۳- واقعی باشد و ظن و گمان قوی نیست ، وقوع آن بروز

۴- دفاع متناسب با فطر و تجاوز باشد .

۵- دفاع در برابر حمله ضروری باشد (یعنی تنه اراه نجات باشد) .

۶- مدافع خود سبب حمله و تجاوز را ایجاد نکرده باشد .

۷- شخصی که به او حمله شده ، از نزدیکی مدافع باشد یا مسئولیت دفاع از او بر عهده اش باشد یا بتوان از دفاع بپرهیزد و تقاضای کمک نماید و یا در

وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد .

۴- اضطراب : مجموعه اوضاع و احوالی است که موجب می شود انسان علیه عمیل باطنی خود ، عمدتاً و بران اجتناب از زیان بزرگ تر به دیگری خسارت وارد کند که خود چند شرط دارد : ۱- خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع باشد ۲- رفتار نامشروع باشد ۳- منظور حفظ نفس یا مال باشد ۴- رفتار با فطر متناسب باشد ۵- رفتار ضروری باشد ۶- خطر را عمدتاً ایجاد نکرده باشد .

حالت‌های مختلف اضرار

۱- اضرار غیر برای دفع ضرر از خود به استناد قاعده لاضرر در اینجا مسئولیت مدنی است

۲- اضرار غیر برای دفع ضرر از ثالث به مسئولیت مدنی وجود دارد ولی چنانچه شرایط اداره مال غیر وجود داشته باشد، وارد کننده زیان می‌تواند پس از جبران خسارت، به ثالث رجوع کند

۳- اضرار غیر برای دفع ضرر از او به اگر قصد اضرار وجود داشته باشد از باب اضرار و معاف از مسئولیت است، نه از باب اضرار

۴- اضرار غیر برای دفع ضرر از دیگری به اگر شرایط اداره مال غیر وجود داشته باشد می‌توان به مسئولیت مدنی کسی که از او دفع ضرر شده است حکم داد، در غیر این صورت، حق مراجعه به دیگری را ندارد

۵- رضایت زیان دیده: این رضایت ممکن است به صورت یکجانبه باشد و تحت عنوان اعلاک برائت یا پذیرش خطر قرار گیرد، یا دو طرفه باشد و به شکل قراردادها یا عدم مسئولیت محقق شود. چند دلیل بر موقف بودن رضایت ارائه شده:

۱- با استناد به م ۳۰ ق ۴ م می‌توان گفت رضایت زیان دیده موجب معافیت از مسئولیت مدنی است و شخص می‌تواند هر تصرفی را در مال خود انجام دهد حتی تصرف به ضرر خویش

۲- به علاوه اینکه موارد ۳۸۱ و ۳۸۶ ق ت در باره پذیرش قرارداد عدم یا خرید مسئولیت متقصدی حمل و نقل و ۵۱۵ ق آ آ عدم مؤید این نظریه است

۳- اعتبار قراردادهای رافع یا محدود کننده مسئولیت مدنی یا اصل آزادی قرارداد است مذکور در ماده ۱۰ ق م کاملاً سازگار است. این شخص تنها به زیان خویش اضرار کرده است که طبق قاعده اقدام، عمل او منعی ندارد.

نکته: اعلاک رضایت یا انعقاد قرارداد نباید بی‌ملاحظات نظم عمومی و اخلاق حسنه باشد. در باره خسارات وارده به تمامیت جسم و حقوق مربوط به شخصیت نیز رضایت یا

قرارداد عدم مسئولیت تنهائست به اعمالی که ناشی از تقصیر نباشد مؤثر است.

رایس

Subject : Year : Month : Date : ()

۶- اجراء استفاده از حق نه اگر شخص در مقابل امران حق فوس، دیکرین بر این برساند در صورتی که فعل او تجاوز از رفتار انسان متعارف نباشد و امران حق و استفاده از آن بر این رفع حالت ضروری باشد، مسئولیت بر این فاعل زبان ایجاد نمی شود، زیرا اجراء و اعمال حق مجاز بوده و فعل زبان بار در این در موصوف است.

۷- اکراه و اجبار: اکراه عبارتست از فشار مادی یا معنوی نامشروعی که به وسیله کسی بر طرف دیگر وارد گردد تا او را به انجام دادن کار مورد نظر وادار کند. اکراه به معنی خاص، در صورتی است که فشارهای مادی یا معنوی به قدری نباشد که عقل و ادراک و اراده را زائل کند، لیکن اگر فشار بدین حد باشد به آن اجبار گفته می شود.

در اکراه، مسئولیت هائی بر عهده مکرر است مگر در خصوص قتل که بدلیل و تیزه اکراه را سبب ضمان نمی دانند.

تلمه ۱: ضایعہ اکراه به صدى باشد که لغوی اکراه شده قوه عقل و تدبیر خود را دست دهد و اجبار به معنای

۸- غرور: برخی از اساتید حقوق آن را مطرح کرده اند، این در حالی است که در فقه و قاعده غرور سبب مسئولیت و در نهایت بلکه از مباح تصور و مسئولیت قریب است. به عبارت دیگر طبق این قاعده، قریب خوردن می تواند، فریبکار بر این صیران خسارت رجوع کند. البته غرور نسبت به مفروض علت موجوده و واقع تقصیر است و مفروض می تواند بعد از صیران خسارت زبان دیده، به غارت مراجعه کند. مثلاً اگر کسی مال دیگری را بفروشد و مشتری را نیز مطلع نکند که مسیوع برای دیگری است، فعلاً اگر اجماع مالک به مشتری، مشتری پس از پرداخت عین و اجرت المثل ضایع می تواند، با بیع مراد کرده و خسارات را از او بگیرد.

شکل رقمی شده معنی که در نگاه اول غریب در مضمون غریب و لغوی

عناصر غرور سه رفتار است: فریب آفرین واقع گردد و ضرر بر نیز به بار آید که تا آن عمل را به عمل نسبت داشته باشد که جعل مفروض (قریب خوردن)

سؤال : آیا غرور تنها موجب ضمان قهری است یا در مواردی می تواند مستقلاً
و در افع مسئولیت درنی نیز، شمار آید ؟

جواب : ظاهر استناد، قاعده غرور، دفاع موقوف در مقابل زیان دیده است و افع
مسئولیت درنی محسوب نمی شود لیکن با بررسی مواردی قاعده غرور روشن می شود
که پاسخ فریور مربوط به مواردی است که ضمان مفرور مبتنی بر تقصیر نبوده
است و مفرور به دلیل اطلاق یا ضمان بد مسئول شناخته شده است.
مانند غذاهای متعلق به شخص ثالثی که میزبان در میهمانی توزیع کرده است
در این موارد جرم شرط مسئولیت مفرور، تحقق تقصیر نیست، استناد به غرور
و بر اثر مسئولیت معاف می گردد اما در مواردی که مسئولیت فاعل زیان
مبتنی بر تقصیر است نمی توان مفرور را مسئول دانست زیرا مفرور از رفتار متعارف
تجاوز نکرده است؛ مثلاً هرگاه تاجری در اثر اغواء، نام تجاری دیگری را به کار برد
و ضرری به بار آورد مسئولیتی نخواهد داشت و غرور توجیه کننده ای فعل او نیست. (حمله بدنه کلی انجام داده اند)

نکته : در مواردی که خسارت عرفاً مستند به غار یا شده مفرور، مانند سرریزی
که در دستور ما غوق و بدون آگاهی، زیان به دیگری بزند، می توان گفت
در اینجا غار، مسئول است؛ یعنی در اینجا قاعده غرور صادق نیست بلکه
سبب اقصی از مباشر است. همچنین در مواردی که پزشک در معالجات خود
دستوری به مریض یا پرستار بدود و مریض یا پرستار نیز حاصل به اشتباه پزشک
باشند، پزشک سبب اقصی از مباشر خواهد بود.

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

رابطه سببیت :

برای تحقق سببیت در نفس تنها وجود خسارت و تقصیر یا فعل زیان بار کافی نیست بلکه باید رابطه سببیت یا عللیت بین خسارت وارده و تقصیر یا فعل زیان بار وجود داشته باشد. (سبب زیان دیده برای مطالبه خسارت باید باشد) چنانکه رابطه سببیت بین خسارت وارده و عمل فایده دهنده وجود دارد (سبب) در مواردی که چند نفر در ایجاد خسارت نقش داشته باشند که برخی مقصر و برخی دیگر غیر مقصر باشند عرف خسارت را به کسی نسبت می دهد که مقصر است ولی اگر همه عوامل مؤثر در ایجاد ضرر مقصر باشند و تشخیص سبب و ایماز رابطه سببیت دشوار است. در اینجا در اینکه سببیت صراحت ضرر با کیست چند نظریه ارائه شده است

۱- نظریه برابری سبب ها : هر عوامل و دیده ها در ایجاد خسارت برابرند لذا زیان دیده می تواند هر یک از آنها را جرم خود و آنان سببیت تقاضا می دارند در برابر زیان دیده

۲- نظریه سبب نزدیک : خسارت را باید نزدیک ترین سبب نسبت داد

۳- نظریه سبب متعارف : زیان به عاملی نسبت است که معمولاً و بر حسب عرف یا عادی امور موجب پیدایش آن است و پدیده خاصی دیگری که اتفاقاً و در نتیجه اوضاع و احوال غیر عادی ممکن است موجب زیان باشد را نباید سبب تلقی کرد. مثال : تصدع سوراخ موجب هم افتادن سوراخ دیگر است.

۴- سبب مقدم در تأثیر : طبق این نظریه سبب مؤول است که زودتر از ایماز دیگر تأثیر گذارده است. مستند این نظریه ماده ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ است مثال : اگر کسی جایش خراب کند و دیگری سنگی کنار آن بگذارد و پایی عابری در اثر برخورد با سنگ بلغزد و در چاه سقوط کند ، کسی که سنگ را گذارده ضامن است

۵- سبب مؤثر در صورت : مستند این نظریه ماده ۱۲۵۱ و ۱۲۵۲ است که بر طبق آن عاملی که در مرتبه وجود آورده است و مسئول خسارت خواهد بود

در حقوق ایران نظریه "سبب متعارف یا مناسب یا اصلی" قابل قبول است
 قانون مدنی در مورد اجتماع سبب و مباشر در اتلاف و مباشر را مسئول شناخته
 است مگر اینکه سبب از مباشر اقوی باشد (م ۳۲۲ ق م) پس قانون مدنی
 عامل را که زیان عرفاً و عادتاً به او نسبت داده شود در نظر می گیرد. برای تشخیص سبب
 مناسب یا متعارف نیز باید به منطلق عرف مراجعه کرد.

نکته: مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ ق م ا، نیز منافاتی با این قاعده ندارند بدین معنی که این
 مواد (که سبب نظریه ۴ و ۵ هستند) را می توان محدود به زیان های بدنی موضوع ریات
 دانست یا آنها را نظر به مواردی هستند که رابطه سببیت عرفی بین ضرر وارده
 و سبب مقدم در تأثیر یا مؤخر در حدوث وجود داشته باشد و در این صورت هرگاه
 ثابت شود که سبب اصلی و متعارف سبب دیگری بوده باید حکم به ضمان آن بهم
 و اگر ثابت شود که هر دو سبب به طور مساوی عامل اصلی و سبب خسارت بوده اند
 باید هر دو مسئول شناخته شوند. با این تفسیر تعارضی بین مواد مذکور با قاعده عام
 پذیرفته شده نیست.

و در زیان بر اثر علت خارجی: معافیت از مسؤلیت

اگر خسارت ناشی از یک حادثه خارجی، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل دفع باشد
 به نحوی که نتوان آن را به خواننده نسبت داد، مسؤلیت بر عهده او نیست.
 علل خارجی شامل قوه قاهره (فورس ماژور) مانند سیل و زلزله
 این سه مورد است ^۱ تفسیر شخص ثالث
^۲ تفسیر متضاد

در م ۱۲ ق م م که درباره معافیت کارفرما از مسؤلیت ناشی از خسارت وارده به وسیله کارگر است
 است همچنین مواد ۲۲۲ و ۲۲۹ ق م که در باب مسؤلیت مدنی قرار داده است و
 در مواد ۵۰۰، ۵۱۶، ۵۰۲ و ۵۲۰ ق م ا، به قاعده معافیت از مسؤلیت در صورت
 وجود علل خارجی قهری، اشاره شده است.

نکته: بار اثبات قوه قاهره بر عهده خواننده دعوی است.

Subject : Year . Month . Date . ()

سؤال : آیا حادثه این که ناشی از عیب اتومبیل یا شرح تحت حفاظت یا وضعیت جسمی یا روانی راننده است قوه قاهره به شمار می آید

جواب : بناتوجه به اطلاق سوار ۲۲۷ و ۲۲۹ ق م ، می توان گفت بقصد خارج بودن علت آن است که از کنترل و حیطة اقتدار شخص خارج باشد و متران آن را به خواننده دعوی نیست . دادنامه حادثه مربوط به عیب وسیله و شرح تحت حفاظت لو باشد ، چه ناشی از ضعف انسانی یا بیماری ناگهانی شخص و چه ناشی از وضع زیان بارى که مسیر وسیله نقیصه داشته است باشد .

نکته : معیار تشخیص قوه قاهره بالاست . اما از ماده ۵۲۱ ق م ا ، معیار نوعی است نه شخصى ؛ این معنی که عرفاً غیر قابل پیشبینی و غیر قابل اجتناب باشد .

سؤال : آیا می توان توافق کرد یا قرارداد است که حتی در صورت ثبوت قوه قاهره باز هم مسؤولیت مرتکب وجود داشته باشد ؟

کلوزین

جواب : نه - رضی از استناد حقوق معتقدند باینکه چون اصل سکت قرارداد است که آن در ضمنی در زمینه مسؤولیت قرارداد است ، صبیح است ولی در باب مسؤولیت های خارج از قرارداد این قراردادها باطل هستند چون خلاف نظم عمومی است و منتفی است که ترش بی مبالائی و بی احتیاطی خواهد شد به علاوه ایند مورد معامله نیز مجهول است و شخص از مطالب خسارتی صرف نظر می کند که ابعاد آن مجهول است .

اثر قوه قاهره :

۱ - خسارت فقط ناشی از قوه قاهره باشد ، معافیت از مسؤولیت مرتکب به طور کلی
۲ - مسؤولیت بدوی تقصیر باشد ، اثبات قوه قاهره ، افاره زیور را ساقط می کند
۳ - هرگاه افاره تقصیر بدوی قیحه شده باشد مثل مسؤولیت کارفرما ، اثبات قوه قاهره بی رد افاره تقصیر خواهد بود .

۴ - در رد و ایت جستن بر تقصیر ، هم تقصیر خواننده و هم قوه قاهره به Sevan

اثبات برسد قوه قاهره در مسؤولیت خواننده تأثیر ندارد و ضرر به او منتسب است.

تعداد سببها : اگر علل خارجی به تنهایی سبب ایجاد خسارت باشند خواننده کاملاً معاف از مسؤولیت است ولی اثر علاوه بر علت خارجی (قوه قاهره) تقصیر خواننده یا تقصیر شخص ثالث نیز مؤثر باشد چند فرض دارد که باید بررسی شوند

۱- قوه قاهره + تقصیر خواننده سبب خسارت است : مثلاً سیلاب ، سدن راه که بر وفق اصول فنی و مهندسی درست شده بود را خراب می کند مستقیماً از م ۳۵ ق م و برض مواد ۵۲۰ ، ۵۲۷ ، ۵۳۲ و سبق م ۱ ، قوه قاهره هنگامی قابل استناد است که علت منحصراً ضرر باشد و هرگاه تقصیر خواننده مؤثر در ایجاد ضرر باشد ، شرایط قوه قاهره تحقق نخواهد یافت .

۲- تقصیر شخص ثالث + تقصیر خواننده سبب خسارت است : مثلاً اتوبوس ناگهان در مسیر اتوبوسی که با سرعت غیر مجاز در حرکت است قرار می گیرد و در اثر ترمز ناگهانی بر زمینان آسیب می بینند مسؤولیت در اینجا نسبی است یعنی مسؤولیت بین شخص ثالث و خواننده به نسبت تأثیر عمل آنها در ایجاد خسارت یا به طور مساوی است

۳- تقصیر خواننده + تقصیر زیان دیده سبب خسارت است : مثلاً عابری ناگهان وسط خیابان می پرد و با او تصادف می کند یا با وسیله ای که با سرعت غیر مجاز در حرکت است تصادف می کند و مجروح می شود مستقیماً از بند ۴ م و بند ۱۴ ق م م و م ۵۲۷ ق م ۱ ، تقصیر مسؤولیت است و در فرضی که متصرف سبب اصلی و منحصراً خسارت به شمار آید که در این صورت طبق م ۵۰۷ ق م ۱ و ۵۰۷ ق م ۱ قابل استناد است
عدم مسؤولیت خواننده

نکته : هرگاه متصرف قبل از اقام دعوی فوت کند و وراثت او دعوی مسؤولیت قدسی اقامه کنند ، خواننده می تواند به تقصیر زیان دیده اصلی استناد کند و خود را به طور جزئی از مسؤولیت معاف بداند (یعنی بین دعوی ورثه و دعوی متصرف اصلی تفاوتی وجود ندارد) .

مانند موردی که زاهد در کتاب خود مورد اشاره است

Subject : Year . Month . Date . ()

سبب مجمل : هرگاه دو یا چند نفر در فوالتی مشارکت داشته باشند و از فعل یکی از آنان زبان به بار آید بی آنکه عامل زبان مشخص باشد مثلاً چیزی از پنجه ساختن یا سقوط کند و به شخص ضرر می رساند بی آنکه مشخص شود از کدام پنجه بوده است . چندانکه دل بنفاد شده است

۱- دولت ایک سارقان عمومی مسئول است (مشقوق قصه آری بدنی، ق اساع بیافه ی ۸۷)

۲- تقصیر گروقی و مسئولیت تقاضای آنها عهده کمال : ممکن است افرادی گنهی متعلق ششده
۳- توسل به قرعه برای حل مشکل
۴- نظریه برگزیده و تفصیلی در حقوق فعلی ایران نمی

الف- رفتار عده ای موجب ضرر شده ولی نمی دانیم آن ضرر با فعل کدام یک رابطه سببیت دارد در این حالت م ۴۷۹ ق م ا اعمال می شود و به طور مساوی مسئولیت تقسیم می شود مثلاً چند نفر را هم شلیک کردند . مثل سقوط یک شی از یکی از پنجه های آپارتمان و امثال

ب- با یک عمل بیشتر رخ نداده ولی دانیم آن فعل زبان به بار توسط کدام یک از دو یا چند نفر معین انجام گرفته است . در این حالت ، اگر منتأ علم اجمالی مانه اقرار باشد

طبق تبصره م ۴۷۷ ق م ا عمل می کنیم (یعنی اولیای دم مختیرند به هر یک از متقیان مراجعه کنند) ولی اگر منتأ علم اجمالی اقرار نباشد طبق م ۴۷۷ و ۴۷۸ ق م ا عمل می کنیم (یعنی متضرر می تواند از اطراف علم اجمالی مطالبه سوگند کند ، اگر بماند سوگند بخورد

در قتل دبی از بیت المال برداشت می شود و در غیر قتل دبی به طور مساوی تقیم می شود - اگر سوگند بخورد دبی به طور مساوی بر عهده آنان است ، اگر فقط یک نفر قسم بخورد ، او تنهایی عهده دار برداشت دبی است . (۴۷۸ ق م ا ۱۰۲)

نکته : با وجود این به نظر می رسد برابر ماده ۲۱ قانون بیمه اجباری شخص ثالث مصوب ۱۳۹۵ در مورد زبان های بدنی ناشی از حوادث رانندگی وسایل نقلیه زمینیه ، در صورتی که وسیله نقلیه بیمه نشده و مسبب حادث هم شناخته نشده باشد ، صندوق تأمین خسارت های بدنی ، مسئول جبران خسارت های وارده شده خواهد بود .

قاعده مقابل با خسارت یا « وصفه تقصیر خسارت »

این قاعده مربوط به جایی است که زیان به کس وارد می شود و زیان دیده برای جلوگیری از ضرر تلاشی نمی کند، مثلاً کس در خانه همسایه آتش روشن می کند ولی صاحب خانه برای خاموشی آتش اقدام نمی کند یا اینکه توانایی اطفای آن را ندارد، یا اینکه کس مجروح می شود ولی اقدام در درمان نمی کند تا زخم او عفونت کرده و به مرگ او منتهی شود.

(در قاعده تقصیر خسارت زیان دیده باید تلاش کند تا خسارت را جبران کند)

در این زمینه نظریه رابطه سبب و تقصیر زیان دیده قابل استناد است چون بخش از خسارت ناشی از کوتاهی زیان دیده است و لذا همین بخش را نمی تواند از وارده کننده زیان مطالبه کند، لذا مسئولیت بین آنان تقسیم می شود.

- علاوه بر قاعده اقدام و سبب (شرط وجود رابطه سبب در مسئولیت مدنی) می توان به قواعد ذیل نیز استناد کرد: (قاعده تقصیر با صفت در قوانین موضوعه)
- بند ۴م آق ص م لا اگر زیان دیده به گونه ای موجب تسهیل زیان را فراهم کرده باشد دادگاه می تواند در میزان خسارت تخفیف دهد. (م ۴ ق م م ۱۳۲۹)
- م ۱۵ قانون بیمه ۱۳۱۶ «بیمه گذار باید بران جلوگیری از خسارت مراقبت عرفی از حال را انجام دهد و الا بیمه گر مسئول خواهد بود. (با توجه به وحدت ملاک می توان گفت رابطه موارد مذکور به سبب است داد)
- بعلاوه ماده ۱۴ قانون دریایی ایران و مواد ۵، ۷، ۱۲ و ۱۷ آق م م ۱.

در فرضی که چند نفر مسئول جبران خسارت هستند مسئولیت چگونه بین آنها تقسیم می شود؟
جواب: سه معیار و ضابطه ارائه شده است:

- ۱- معیار تقصیر: مسئولیت هر کس به اندازه شدت وصفه تقصیر اوست.
- ۲- معیار میزان تأثیر عمل: مسئولیت هر کس به اندازه نسبت تأثیر و مدافله او در ایجاد ضرر است.
م ۱۴ ق م م و م ۵۲۶ ق م ا، مؤید این نظریه است.
- ۳- معیار تساوی: مسئولیت به طور تساوی بین افراد مسئول تقسیم شود زیرا مسئولیت متراکب بین آنان است و نباید تجزیه شود. م ۳ آق م م و ۵۲۸ ق م ا بر مبنای همین نظر می باشد. معیار دیگری که در م ۱۴ ق م م و م ۵۲۶ ق م ا پذیرفته شده، استناد *Sevan* بر اصل می باشد. یعنی اصل بر تساوی است مگر در موارد خاص.

Subject : Year . Month . Date . ()

در بیان دکترا صفائی می گوید: تقسیم به طور تاسیس در حقوق ایران پذیرفته شده است
 ولی تقسیم مسؤولیت بر اساس میزان مردافه و تأثیر عمل، منطقی و عادلانه تر به نظر
 می رسد، بنا بر این می توان چنین گفت که: اصل تقسیم مسؤولیت به طور تاسیس است
 مگر اینکه ثابت شود که فعل یا تقصیر یکی از افراد کمتر یا بیشتر از دیگری بوده است.
 مستنداً از ماده ۱۲۶ ق.م.ا.ت.م این چنین است.
 نکته: در عمل دادگاه صواباً بر اساس نظریه کارشناس خسارت را تقسین می کنند و معیار
 میزان تأثیر عمل را می پذیرند.

آثار مسؤولیت مدنی = جبران خسارت

طریق جبران خسارت چیست یکسان نیست و متفاوت است، و برای روشن شدن بحث
 مطالب را در سه بخش مطرح می کنیم: ۱- بررسی طرفین دعوی
 ۲- بخش اول: دعوی مسؤولیت مدنی ۳- خواسته دعوی و دفاع خواننده
 ماهیت حکم دادگاه

- ۱- اولویت جبران عین ۲- جبران تقدسی (قیمت)
- ۳- بخش دوم: راه های جبران خسارت که جبران از طریق معادل کم جبران غیر تقدسی (مثلاً)
- ۴- اصل جبران کامل خسارت و راه های تقسین آن
- ۵- بخش سوم: نحوه تقسین میزان خسارت ۶- مشکلات اعمال اصل
- ۷- استثناهای اصل جبران کامل خسارت

دعوی مسؤولیت مدنی:

طرفین دعوی: ۱- خواهان یا زیان دیده است. اگر خسارت به یک کودک وارد
 شود، ولی یا قیم کودک اقامه دعوی می کنند. اگر خسارت به یک جمع یا گروه وارد
 شود، اشخاص حقوقی اعم از شرکت ها و انجمن ها نیز می توانند اقامه دعوی کنند.
 قائم مقام شامل قائم مقام عام (یعنی ورثه) و قائم مقام خاص (کس که حق مطالبه
 خسارت به او منتقل می شود) می توانند اقامه دعوی کنند. بیمه گر در برخی موارد
 قائم مقام زیان دیده محسوب می شود و می تواند علیه زیان زنده یا اقامه دعوی کند.

(ماده ۱۸ قانون جدید بیمه اجباری خسارت ناشی از وسایل نقلیه) Sevan

خواننده : کسی که قانوناً موظف به جبران خسارت است چه مسئولیت او ناشی از فعل شخص او باشد یا به خاطر مالکیت و نگهداری اشیاء و حیوانات و مسئول به شمار آمده و یا مسئولیت فعل غیر بر عهده او قرار گرفته باشد.

نکته : اگر چند نفر سبب ورود ضرر باشند ، اصل بر مسئولیت نسبی است لذا برای دریافت کل خسارت علیه همه مسؤولان حادثه اقامه دعوی کند.

نکته : طبق ماده ۳۰ قانون جدید بیمه اجباری خسارت ناشی از وراثت نقلیه ، زیان دیده می تواند مستقیماً علیه بیمه گر وسیله نقلیه و در صورتی که بیمه ای تحصیل کرده یا راننده فرار کرده باشد ، علیه صندوق تأمین خسارت های بدنی اقامه دعوی کند.

شود

خواسته دعوی : جبران خسارت است که دعوائی مالی است و باید توسط مدعی تقویم

ماصیت حکم دعوی : حکم دعوی جنبه اعلامی دارد نه تأسیسی ؛ زیرا اصل زیان دیده ناشی از تقصیر فاعل زیان است و دادگاه فقط آن را تأیید و اعلام می کند.

راه های جبران خسارت : ۱- دادگاه می تواند شیوه و طریق جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال قضیه معین کند ، این راهها یا جبران عینی است و یا دادن معادل ۱- بهترین شیوه ، جبران عینی و اعاده وضع سابق است به این شیوه در خسارات معنوی و بدنی غالباً غیر ممکن است

۲- جبران یا دادن معادل غیر نقدری (مثلاً) : اگر رد عین ممکن نباشد ، مثل داره می شود

۳- جبران یا دادن معادل نقدری (قیمت) : اصل این است که به صورت یکجا و فوری

داره شود ولی استثناء همان هم در مثل ماده ۴۸۸ ق م ا ، درباره پرداخت بده

یکسال ، دو سال و سه ساله در جرائم عمدی ، شبه عمدی و خطائی محض . ^{بنا بر صورت قسطی ۲۷۷ ق م ا}

در برخی موارد جبران نقدری خسارت ممکن است به صورت « مستمری » باشد ، در این

موارد چون ممکن است مستمری طولانی شود باید عامل زیان برای پرداخت آن ، تأمین

Sevan مناسبی بدهد . موارد پرداخت مستمری در مواد ۵ و ۶ ق م م ، ذکر شده است .

Subject : Year . Month . Date . ()

نحوه تعیین میزان خسارت :

اصل و صرف مسئولیت مدنی آن است که ضرر به صورت کامل جبران شود. برای تعیین این اصل راه‌های وجود دارد در قانون که عبارتند از :

۱- افزودن بر تعداد سؤالات (مسئولیت ناشی از فعل غیر - مانند مسئولیت کارفرما نسبت به خسارات ناشی از افعال کارگران)

۲- اجباری نمودن بیمه مسئولیت برای حمایت از زیان دیده یا مالکین و صاحبان

۳- تدارک دیدن در صندوق تأمین خسارات هائی بدون « ماه ۲۲ ق. تصدیه بیمه‌های

۴- پرداخت ریه توسط دولت (بیت المال) بیرون ششگین صندوق تأمین خسارت

ماه ۲۸۶ ق. ۱۰۴ - دیوار ۲۵۵، ۱۴۵ و ۲۵۹ ق. ۲۰۲ و ۹۲

مشکلات اعمال اصل (مسئول)

سؤال : اگر مال تلف شده دست روم باشد و صاحب آن در بازار یافت شود چه باید کرد

اگر تنها مال خود را در بازار پیدا کرد

جواب : قیمت مال نو به زیان دیده پرداخت می‌شود زیرا جبران کامل خسارت

و خرید آن مال لازم است. (مستفاد از م ۳۲۹ ق. ۴ م)

سؤال : فرمان از زمان خسارت چه زمانی است و تغییرات خسارت تا زمان صدور حکم و یا

پس از صدور حکم نیز قابل مطالبه هستند ؟

جواب : ۱- تغییر خسارت تا زمان صدور حکم قطعی : الف - اگر تغییرات میزان خسارت

به دلیل تغییر عناصر درونی و ذاتی باشد - دادگاه باید این تغییرات را در نظر قرار دهد و

ب - اگر تغییرات میزان خسارت به دلیل کاهش ارزش پول باشد - باید

زمان صدور حکم به عنوان زمان ارزیابی خسارت مورد توجه قرار گیرد و چون اگر

فاعل زیان در این مورد محکوم به دادن عین یا مثل شش می‌بود که این اشیاء تعویض

قیمت مال را در زمان تأدیبه پرداخت کند و حال که انتخاب زمان تأدیبه محلاً است

است - ناچار باید زمان صدور حکم « ملاک باشد

۲- تغییر خسارت پس از صدور حکم قطعی : الف - اگر تغییرات به دلیل کاهش ارزش پول

باشد - به دلیل اعتبار امر مختوم دادگاه حق تغییر خسارت ندارد و فکر اینکه زیان دیده

به استناد م ۲۵۲ ق. آ. د. م. خسارت تا ضربه تأدیبه مطالبه کند - ب - اگر تغییرات به دلیل تغییر

عناصر ذاتی و درونی خسارت باشد ، دادگاه می تواند این تغییر ترتیب اثر بر بعد مثل

جائی که ضرر چرندی پدید آمده باشد که ناشی از حادثه قبل است . مثلا ضایع زبانی ویدهای که یک عضو ضرر از دست داده پس از صد و حکم قطعی به پرداخت دیده آن عضو کاملاً قلع شود در صورتیکه این عضو تا لحظه از تصادف قبل باشد می تواند با اتمام دعوی علیه برامت

سؤال : کدام مکان ملاک ارزیابی خسارت باید قرار بگیرد ؟
هرگاه خاص مال معضوب را از محل عقب به مکان دیگری ببرد

جواب : در عصب لغت رشده اگر قیمت مکان غصب بیشتر از مکان تلف باشد

مکان می تواند قیمت مکان غصب را الزام مسئولیت مدنی مطالب کند . در

موارد دیگر نیز در محل ورود خسارت باید ملاک ارزیابی باشد و نباید وصف زیان دیده در این مکان بیشتر حالت

استثناهای اصل جبران کامل خسارت :

۱- استثنای قانونی : مانند بند ۵ م ۵۵ قانون دریائی که می گوید مقدمات باوری یا سستی

پس از صد لیره استرلینگ بران هر کالا خسارت ندارد - همچنین مثل تبصره آماره

۴۱۴ م ۱ ، که فوت منافع ممکن الحصول و خسارت معنوی در مواردی که در حتم فسخ شده است

را قابل مطالبه نمی دانند - (حتی طبق نظر این خسارات مدنی زیادتر از این نیز قابل مطالبه نیست)

۲- استثنای قضائی : طبق م ۴ ق م م دادگاه در این موارد می تواند تخفیف دهد :

الف : پس از وقوع خسارت ، عامل زیان به نحوی مسامحت کند .

ب : خسارت ناشی از غفلت قابل اغماض باشد و جبران آن موجب تکلیف فاعل زیان شود

ج : زیان دیده ، نخوس موجبات تحصیل ایجا در زیان را فراهم کرده باشد و یا به اضافه ضرر آن کند کرده باشد

۳- استثنای قراردادی : الف : رضایت زیان دیده بر عدم مسئولیت خواننده یا استناد به ماده

۱۴۱ م نافذ است مگر در صورت مخالفت با نظم عمومی یا خسارات ناشی از تقصیر عمدی

تلفی : در مسئولیت مدنی خاص (الزامات خارج از قرارداد) چنین توافق به طور کلی باطل است ؛

دلیل مخالفت با نظم عمومی و غیره بودن . (۱) قرارداد همیشه

ب : قرارداد خرید یا تدریس مسئولیت : در سندی ، لازم الاتباع است ولی در خرید

، اگر مخالف با نظم عمومی نباشد ، لازم الاتباع است .

ج : قرارداد های با شرط التزام یا یعنی ، صورت مقطوع میزان خسارت را از پیش تعیین کرده

یا استناد به ماده ۳۰۴ م م ، این قرارداد صیغ است ، مگر اینکه دادگاه طبق ماده ۳۰۴ م م

قلمرو آن را محدود کند یا علت ناعقول بودن و یا التزام آن را باطل کند یا طبق م ۴۱۴ م م

در مواردی که مخالف انصاف است تخفیف دهد . یا به دلیل مخالفت با نظم عمومی آن را باطل اعلام کند .

د : زیان پیش از ورود ضرر میزان آن معلوم نیست و موضوع قرارداد عدم مسئولیت مستحق نیست .

Subject :

فصل ششم

Month .

Date .

()

مسئولیت های ویژه : مسئولیت های مستند که یا در آنها از دو اصل عمومی (شخص بودن ، با وستی بودن مسئولیت مدنی بر تقصیر) پیروی نشود و یا اینکه قانونگذار مقررات ویژه ای وضع نموده که باید به آنها توجه شود. این مباحث را ذیل دو عنوان مطرح می کنیم ، مسئولیت ناشی از اشیاء و حیوانات
 ۱- مسئولیت ناشی از فعل غیر
 عنوان اول را تحت شش عنوان به ترتیب بحث خواهیم کرد :

۱- مسئولیت مالک دیوار یا عمارت کارخانه -
 ۲- مسئولیت مالک یا متصرف حیوان -
 ۳- مسئولیت ناشی از تصادم وسائل نقلیه -
 در همه این موارد ، مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و بدون اثبات آن ، به جبران خسارت ، حکم داده نمی شود.

همچنین در بعضی از موارد قانون مجازات مواردی ذکر کرده که مسئولیت مبتنی بر تقصیر است مثل مواد ۵۱۶ در باره خسارت ناشی از اشیائی که انسان بی پروا دیوار یا بالکن قرار می دهد ، م ۵۱۵ در باره ریختن چیز لغزنده در معبر و گذر از یا حفر گودال ، م ۵۱۷ در مورد خسارت ناشی از ضرب شدن بتای یا بالکن منزل م ۵۱۸ در باره کردن چاه یا گذاردن چیز لغزنده در ملک خویش .

۱- مسئولیت ناشی از مالکیت و نگهداری حیوان :
 در ماده ۳۳۴ ق م آمده که مالک یا متصرف حیوان در صورتی که در حفظا حیوان تقصیر کرده و اجتنابها را لازم را به عمل نیآورده باشد مسئول است . البته نگهداری حیوانات خطرناک مثل شیر ، بلنگ یا سم خود نوعی تقصیر است و به اثبات تقصیر دیگر نیازی نیست .
 در ماده ۵۲۲ ق م ، نیز آمده که اگر کسی از حملات حیوان خود ، دیگران آگاه است باید آن را حفظ نماید و الا ضامن است . (به نظر می رسد مراد از آگاهی و علم ، آگاهی نوعی است) به علاوه اینکه نگهداری حیوانی که شخص :

Subject :

توانایی حفظ آن را ندارد نوعی تقصیر است. پس اگر مصلحت حیوان از حال حیوان نگاه است و توانایی حفظ آن را هم داشته
 لیکن ماده ۵۲۲ ق. آ. م. چندین بابت و تقصیر و اهتزاز نیست و در آن آورده که
 اگر کسی با اذن **وارد خانه** کسی شود و از حیوانی آسیب ببیند، اذن ده هزاره ضمان
 است. برض از اساتید معتقدند این مورد مسئولیت محض اذن ده هزاره است
 ولی دکتر صفائی می گوید در این ماده مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر است. یعنی
 قانونگذار فرض می کند اذن ده هزاره مقصر و مسئول است و در این عدم تقصیر او
 اثبات شود. (زیرا در چنین مواردی اثبات تقصیر مالک بسیار دشوار است) لذا
 فرض بر تقصیر گرفته می شود.

۳- مسئولیت متصرفین اموالک نیست، اموالک مجاوره:

طبق ماده ۲۰ ق. م. مالک حق تصرف به هر شکل در ملک خود دارد مگر مواردی
 که قانون استثناء کرده باشد. یکی از این استثنایها، تصرفاتی است که
 موجب تضییع همسایه می شود. در ماده ۲۲ ق. م. آورده که شخصی نمی تواند
 تصرفاتی کند که مستلزم ضرر به همسایه است. که متعارف و بر این رفع حاجت باشد.
 یا دفعه غیر از خود

۴- مسئولیت رانندگان و دارندگان وسایل نقلیه:

از ظاهر ماده ۲۳۵ ق. م. بر می آید که قانونگذار مسئولیت ناشی از حوادث نقلیه
 را مبتنی بر تقصیر ندیده است. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی، قاعده
 عام مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی تغییر کرد که طبق م ۵۲۸ آن،
 برای تحقق مسئولیت، اثبات تقصیر لازم نیست و کافی است که میان ورود
 ضرر و فعل فاعل زیان، رابطه سببیت وجود داشته باشد، در نتیجه می توان
 گفت در این قاعده مبانی مسئولیت "نظریه خطر" می باشد و خسارات
 ناشی از وسایل نقلیه، از مصادیق اطلاق است نه سبب.

نکته: مبانی مسئولیت در قانون بیمه اجباری شخص ثالث:

در تبصره ۲ م ۲ قانون بیمه اجباری خسارت وارده به شخص ثالث، مسئولیت
 دارندگان وسایل نقلیه به تحصیل بیمه نام محدود شده است و چنانچه راننده
Sevan وسیله نقلیه شخص غیر از دارندنده باشد، مسئولیت عموم او است نه دارندنده.

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

سؤال : آیا مسئولیت راننده مستقر بر نظریه خطرات است یعنی امروزه راننده بیست
لازم است یا مطلق و محض است مسئولیت راننده و حتی شامل موارد
وجود قوه عامه هم می شود.

جواب : ۱- نظریه اول : مسئولیت او مطلق است
که نظریه دوم : بیمه مقدر در قانون، از نوع بیمه مسئولیت درونی است و
یکم از ارکان عمومی مسئولیت درونی راننده بیست است که با وجود قوه عامه
این بیست قطع می شود و مسئولیت به بار می آید تا بیمه آن را پوشش دهد
۲- دکتر صفائی و نفاذ اول بهتر از نظریه دوم است زیرا قانونگذار در دنبال حمایت
از زیان دیده است و در بند ۱ م ۱۰۸۱ (۱) تعریف اصطلاح حوادث
تصریح شده که بهر نوع سانحه ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیر مستقیم
داخل در قلمرو قانون است و بیمه باید خسارت را بپردازد و بنابراین نظریه
صیغه و بهتر این است که بگوییم راننده مسئولیت مطلق (حتی در صورت وجود قوه
عامه) ندارد اول بیمه اگر مستقر است خسارت را جبران کند.

نکته : هدف اصلی قانون جدید بیمه اجباری، جبران خسارت از طریق بیمه
است و بنای این قانون «تفصیل گروهی» است - بنابر این بیمه
جائزین مسئولیت درونی می شود و زیان دیده می تواند در حاشی مراعات به واردا کننده زیان
به بیمه گر رجوع کند.

سؤال : در حوادث رانندگی راننده مسئول است یا مالک وسیله نقلیه ؟

جواب : باید بین مسئول در قواعد عام و مسئول در قواعد خاص تفکیک قائل شد
۱- در قانون قدیم و مجازات، از مطالبه موارد ۲۵ ق م و ۵۲۸ ق م، می توان فهمید
که راننده مسئول است چون مباشر است
۲- در قانون خاص بیمه اجباری شخص ثالث، تبصره ام ۲ قانون ۱۳۹۵ آمده است
راننده اعم از مالک و راننده است و هر کدام که بیمه نام را تحصیل کند،
Sevan

تکلیف از دیگری ساقط می شود؛ و اثر هیچکدام بیم نام را تحصیل نکنند راننده مقصر است زیرا یکی از ضمانت های عدم تحصیل بیمه، منع حرکت وسیله نقلیه است و مباشر صحر و مباشر حرکت دادن ماشین، راننده است.

بنابر این مالک و مسئولین در مقابل زیان دیده ندارد. اگر خسارت توسط خود راننده پرداخت شود، راننده نمی تواند به دارندة رجوع کند مگر در صورتی که مالک وسیله، بابت آقوی از مباشر باشد، مثلاً ماشین خود را نیم ساعت به دیگری می دهد و او را از نقص فتن و عدم صحت تریم ماشین مطلع نمی سازد؛ یا کارفرمایی که به کارگر دستور می دهد ماشین بدون بیمه را حرکت دهد و سپس تصادف روی می دهد؛ یا کسی که در حال آموزش دادن رانندگی به دیگری است که در صورت تصادف و خسارت، آموزش گیرنده ضامن نیست.

ذی نفع مسئولیت: چه کسی می تواند حیران خسارت را مطالبه کند؟

۱- در قواعد عام (بدن و مجازات): هر کس که زیان دیده است (البته باید اثبات کند که ضرر ایجاد شده یا فعل یا ترک فعل راننده رابطه سببیت دارد.

۲ در قانون بیمه اجباری: ذی نفع همان شخص ثالث است، البته در قانون جدید علاوه بر شخص ثالث، شامل راننده هم می شود و راننده هم می تواند از بیمه خسارت دریافت کند.

نکته: بیمه گذار هم شخص ثالث می باشد علاوه بر راننده.

۳- بر اساس قانون بدن و مجازات: هر نوع خسارتی که در دیگر حوادث مقابل

سارا قابل مطالبه مطالبه است در اینجا نیز قابل مطالبه است

۴- طبق قانون بیمه اجباری: هر نوع خسارت بدن و مالی را شامل می شود

۵- خسارت بدن: هر نوع دی یا آرش از هر نوع صدمه بدن مثل از کار افتادن، شکستگی و...
۶- خسارت مالی: زیان هائی که به اموال شخص وارد می شوند

نکته: در قانون بیمه، علاوه بر دیه و هزینه معالجه هم پرداخت می شود. همچنین در خسارات بدن، حد اکثر مبلغ قابل مطالبه برای خسارت بدن، اندازه دیه کامل یک مرد مسلمان است و بابت خسارت مالی معادل حداقل ۲۵ درصد از تعویضات بدن می باشد.

Subject :

Year .

Month .

Date .

()

نکته: بیمه گر مکلف است کلیه خسارات بدنی افراد داخل و رایل نقلیه را جبران کند به شرط اینکه این افراد اندازه ظرفیت وسیله نقلیه باشد، البته کودکان زیر ۱۲ سال و جنین، به این افراد اضافه می شود و اگر یکی از افراد داخل خودرو مستعمل خسارات بدنی بیش از یک ربه کامل شود، بیمه گر باید جبران کند و اگر زیان دیدگان بیش از سقف مذکور باشد یا زیان دیدگان خارج از ماشین، بیش از ده برابر سقف تعهدات بدنی بیمه نامه باشد، مبلغ مورد تعهد بیمه گر، میان زیان دیدگان تقسیم می شود و مابقی خسارات بدنی توسط صندوق تأمین خسارات بدنی پرداخت می شود.

نکته: در قانون بیمه مابقی تفاوت خسارت و ربه زن و مرد یا توسط صندوق تأمین خسارات، همان بدنی پرداخت می شود به عنوان "بیمه حوادث".

نکته: اگر شخص تصادف کند ولی تقصیر نداشته باشد مثلاً عابر پیاده از محل خطا عابر عبور نکرده، در اینجا راننده ضامن نیست ولی عدم ضامن بودن مانع استناد ربه شخص ثالث از بیمه نخواهد بود.

و یا آنچه اگر چه به صریح باشد که شخص اگر چه سده، قوه عقل و درک و اختیار خود را از دست برده و
واجباً به معنای خاص صادق باشد، در این صورت فعل فاعل زبانی، با ورود ضمیر رابط
سببیت نخواهد داشت و فاعل زبانی به عنوان وسیله و ابزاری برای ورود ضمیر محسوب
خواهد شد، به همین جهت، اجبار به معنای خاص کلمه از علل مولیه فعل زبانی تا به بهر
من آید لکن تحقق آن موجب رفع مسئولیت مدنی به خاطر فقدان رابط سببیت
است - (اضافه به بحث اگر چه من لاء جزوه)

اگر دلیل مسئولیت مدنی فزیه (عنا) باشد که فزیه دهنده سبب معارف
حسارت است در این حالت تفاوتی نمی کند که سبب عالم باشد یا جاهل به عبارتی
دیگر آگاهی، جزء عناصر تشکیل دهنده غرور و مسئولیت نامی از آن سببیت
شماره قانون مدنی همین نظر را که منطبق با قول مسکو و فقهای امامیه است
نیز برین وجه و در مواد مبتنی بر قاعده غرور، تنها به جهل معرور به عنوان شرط
مسئولیت مدنی فزیه دهنده تصریح کرده است، مثل مواد ۲۶۳، ۳۵ و ۳۲۵ ق.ا.
ل (اضافه به ص ۲۱ جزوه بحث غرور)

معنوم رابط سببیت: دید آمدن زبانی به دنبال تقصیر شخص کافی برای احراز رابطه
سببیت نیست بلکه باید ثابت شود، که تقصیر، علت فاعلی و دید آورنده زبانی بوده و بدون
آن حسارت به بار نمی آمده است مثلاً: صرف رد شدن اتومبیلی از چراغ ترمز و
افتادن موتورسیکلتی در جوی آب موجب مسئولیت راننده اتومبیل نیست، بلکه
باید ثابت شود که در اثر برخورد اتومبیل، موتورسیکلت به جوی آب افتاده است.
نکته: مقصود از سبب در اینجا سبب تام، یا علت تامه نیست، بلکه مراد سبب و
عاملی است که ضرر مستند به فعل اوست و عرف حسارت را به او نسبت می دهد
ل (اضافه به ص ۲۳ جزوه)

نظر به سبب نزدیک، تنها نزدیکترین عامل به دیده حسارت از لحاظ زمان باید در نظر
گرفته شود؛ حسارت را باید به نزدیکترین سبب نسبت داد، به این سان اگر کسی در جوی
محراری فاضلاب را باز گذارد و ریخته گری برابر غفلت در آن سقوط نماید، تقصیر
متضرر نسبت حسارت تلقی می شود.
نظر به سبب مؤخر در صورت: حفر کننده حایه پس از گذاشته شدن سنگ و یا توجیه
اینکه حفر حایه در کنار آن سنگ موجب صدمه می شود آن را حفر کننده، حفر کننده
حایه مسئول حسارات است، (راه حل مذکور در ماده ۵۲۵ ق.ا.ا. بر عکس خواهد شد)
ل (اضافه به ص ۲۳ جزوه)

مثلاً اگر بوری که با کودکی خرد سالش به گردش رفته در مواظبت او کوتاهی کند و کودکی به وسط
خیابان رود و اتومبیلی که با سرعت غیر مجاز حرکت است او را زیر بکشد با اینکه هم
پدر و هم راننده اتومبیل مقصرند می تواند گفت زبانی عرفاً منسب به راننده بر حسب
است و رابط سببیت بین تقصیر او و زبانی واجه وجود دارد و از این رو راننده مسئول
است - (اضافه به ص ۲۴ جزوه)

با این تفسیر موارد ۵۳ و ۵۴ ق ۴۴ و ۴۵ ق ۴۴ و ۴۵ ق ۴۴ و ۴۵ ق ۴۴
 نخواهد داشت و تنها مفید است اما و قانونی خواهد بود که خلاف آن قابل اثبات است.
 یعنی قانون طرفین می کند که سبب تقاضا در تأثیر یا مؤخر و در وقت همان سبب است که ضرر
 عرفاً منسب به اوست، مگر آنکه خلاف آن اثبات برسد. به همین امر در ماده ۵۱۶ ق ۱۰۱
 تصریح شده است. (اضافه به ص ۴۱۲ جزء ۱)

علل خارجی بنا بر آنچه علمای حقوق گفته اند از مواد قانون هم برمی آید. شامل قوه قاهره (خواری
 مائور) و تقصیر متخلف ثالث و تقصیر متضرر است.

قوه قاهره به معنی عام عبارت است از حادثه ای خارجی، غیر قابل پیش بینی و غیر قابل اجتناب
 که ممکن است علت اصلی بروز خسارت باشد و معافیت از مسئولیت را در پی داشته باشد.
 اگر واقعه زلزله یا حادثه طبیعی و بی نای باشد که نتوان آن را به شخص خاصی نسبت داد
 قوه قاهره به معنی خاص است، مانند زلزله و سیل. لکن قوه قاهره به معنی عام فاعل ثالث
 و تقصیر متضرر را نیز در بر می گیرد بنا بر این تقصیر شخص ثالث و تقصیر متضرر نیز هنگامی
 موجب معافیت از مسئولیت است که مانند قوه قاهره (به معنی خاص) غیر قابل پیش بینی
 و غیر قابل رفع باشد. علل مذکور در حقیقت رابطه سببیت بین فعل متضرر و زیان
 وارد شده را قطع می کند و به عبارت دقیق تر، مانع تحقق رابطه سببیت یا استناد
 ضرر به خواننده دعوی می گردد و به همین جهت موجب معافیت از مسئولیت است.

۱۱ (اضافه به ص ۴۱۲ جزء ۱) و در زمین برابر علت خارجی

با اثبات قوه قاهره بر عهده خواننده دعوی است، یعنی هنگامی که به فاعل خسارت وارده
 مشتتب به فعل یا تقصیر خواننده است، وی برای رفع مسئولیت از خود، باید اثبات کند که
 خسارت ناشی از یک علت خارجی است که نمی توان به او مربوط دانست مثلاً اگر بر
 اثر حادثه ای گسستی غرق شود و عده ای در این حادثه کشته شوند و بازماندگان آنان علیه شرکت
 گسستی رانی دعوی مسئولیت اقامه کنند، شرکت برای رفع مسئولیت از خود می تواند
 دلیل بیاورد که غرق شدن گسستی معلول قوه قاهره شدیدی غیر قابل پیش بینی بوده است.

در مسئولیت مبتنی بر تقصیر، خواننده معمولاً به اثبات قوه قاهره بنا نری زیرا با
 اثبات تقصیر به وسیله خواهان اغلب رابطه سببیت محرز و خواننده مسئول شناخته می شود
 و بدون اثبات تقصیر وی مسئولیت مدنی نخواهد داشت، اما در مسئولیت بدون تقصیر
 اثبات قوه قاهره اهمیت بسزایی می یابد، زیرا با انجام دادن فعل زیانبار، رابطه
 سببیت مفروض است، پس خواننده برای رد وجود رابطه مزبور باید اثبات کند که ضرر
 ناشی از قوه قاهره بوده است و مستند به فعل او نیست، در واقع در این گونه موارد
 تقصیر متضرر مستند به تقصیر یا امر معنی است. برای مثال در مورد اتلاف یا ضررهای ناشی
 از وسایل نقلیه زمینی که مسئولیت محض و بدون تقصیر نیز برفته شده است هرگاه خسارت به ظاهر
 منسب به خواننده دعوی باشد وی برای رفع مسئولیت از خود باید اثبات کند که ضرر ناشی از علت
 خارجی و حادثه ای بوده که خارج از حیطه اقتدار اوست. (اضافه به ص ۴۱۲ جزء ۱) قوه قاهره

تکلیف: تفهیمات قرارداری اغلب تصور به نتیجه است و ابیات تفسیر علاوه بر تفسیر مفسر، برای مسئولیت کارزمینیت و از این رو ابیات قوه قاهره در این زمینه اهمیت من باید.
پس نوعی که حارثه ای بدون تفسیر خواننده روی دهد که خارجی به معنای فوق و غیر قابل سنجش است
و غیر قابل اجتناب باشد و زبان از آن به بار آید، شخصی که حساسیت ظاهراً ناشی از تفاسیر
اوست از مسئولیت معاف است.

در واقع در فرضی که حارثه قابل سنجش است ولی مفسران را سبب بینی نکرده و بیان
او را به علت این مطالبی مقصود مسئولیت است و در فرضی که حارثه عرفاً قابل اجتناب بود
ولی مقصود اقدام به دفع آن نکرده یا توانایی آن را نداشته است، من توان وی را به علت
کو تا هم در دفع حارثه شخصاً یا به وسیله دیگران مسئول تلقی کرد.
معیار سنجش قابلیت سنجش بینی و قابلیت اجتناب نیز باید استناد متعارف در
اصناف و احوال مستند باشد. → اصناف به من ۱۴ خرد و کتب قوه قاهره -

در ماده ۱۰۲ - با اینکه این ماده فقط به عمد است، که در نظر من رسید که ملاک، حدیث
را به سبب است، بنابراین اگر شخص بدون عمد اما با تفسیر نگهان به وسط فیما باریه بود
و موجب تقادم و ورود حساسیت شود به گونه ای که حارثه برای راننده غیر قابل سنجش بینی
و غیر قابل اجتناب باشد، ضرر مستند به راننده نیست و او نباید مسئول شناخته شود.
این قاعده از ماده ۵۳۷ ق.م.ا نیز قابل استنباط است و در رأی وحدت رویه ۱۳۰۱۴۰۶۱۴/۱۳۶۲
نیز به این قاعده است. → اصناف به من ۱۶ خرد و کتب تفسیر شخص ملکی + تفسیر قوانین

تفسیر زبان دیده متوجهی قابل استناد در برابر قائم مقامان (ورثه) اوست، حتی اگر به نام
خود اقدام دعوی کرده باشند، با این استدلال که ضرر وارثان متوجهی و ضرر زاین دیده اصلی
ناشی از یک سبب یا لحاظ کلیه اوضاع و احوال آن است، پس نباید بین دعوی ورثه
و دعوی متضرر اصلی تفاوت وجود داشته باشد. → اصناف به من ۲۶ ادامه تکلیف

در این گونه موارد از سبب مجمل سخن گفته می شود زیرا علم اجمالی وجود دارد
که یکی از افراد مورد نظر وارد کننده زاین بوده، ولی هویت او مشخص نیست.
قانونگذار برای مسئله سبب مجمل چند راه حل متفاوت (تقسیم به مساوی، انتخاب یکی از
اطراف علم اجمالی، برداشت از بیع المال) را ارائه نموده است که به نظر من از مطلق سببیت چون
مبنایی برای این تفکیک وجود ندارد، لکن جود برداشت از بیع المال خلاف اصل است.
این راه حل قابل ستی به ضمانات مادی نیست ولی با وجود این به نظر من باید برای ماده ۲۱
قانون بیمه اجباری سخن گفت مصوب ۱۳۹۵، در مورد زاین نهایی بینی ناشی از حوادث ناشیگی
در صورتی که وسیله نقلیه بیمه شده و سبب حارثه هم شایسته شده باشد (که می تواند از
مصادیق سبب مجمل باشد) صندوق کامین ضمانتهای بینی مسئول ضمانت گامی وارد شده
قواعد بود به اصناف به من ۲۷ کتب مجمل

قاعده اقدام: معقود از قاعده اقدام آن است که شخص به ضرر خود اقدام کند و به تعبیر دیگر
گاهانه ضرر را بپذیرد که در این صورت همان از دیگری ساقط می شود. مثلاً: شخص عاقل و
بالغی مالی را سببتر از من متعارف خریداری کند یا شخصی بدبختی را بگوید که مال او را به
دربا بفکند. -> اصل فقهی ص ۲۸ قاعده مقابله با خسارت

قاعده مقابله با خسارت در صورتی که خسارت وجود دارد و اگر آن این است که دارگاہ می تواند
در صورت کوتاهی زیان دیده از میزان خسارت بکاهد و زیان دیده را فقط مستحق دریافت
خسارت از خسارت وارده بشناسد. -> اصل فقهی ص ۲۸ قاعده مقابله با خسارت

ایراد نظریه تقسیم بر اساس معیار درجه تقصیر آن است که مسئولیت مدنی مجازات تقصیر
سببیت بلکه هدف از آن جبران خسارت زیان دیده است، اصولاً هر کس باید به اندازه
ضرری که وارد کرده است مسئول باشد، اگر چه تقصیر سنگین تر باشد یا سبک تر را مرتکب
شده باشد. -> اصل فقهی ص ۲۸ جزوه

مسئولیت مدنی با تحقق ارکان آن به وجود می آید و اگر آن که جبران خسارت است قابل
مطالبه می شود، اگر فعل زیان بار، از لحاظ مقررات جزایی، جرم کیفری باشد این
دعوا می تواند در دادگاه کیفری مطرح شود و در ضمن رسیدگی به جرم، به عنوان
ضرر و زیان ناشی از جرم مورد رسیدگی قرار گیرد، ولی اگر فعل زیان بار عنوان
مجرمانه نداشته باشد، دعوی مسئولیت مدنی باید در دادگاه حقوقی، رسیدگی شود
اگر خسارت وارده کمتر از ۲۰ میلیون ریال باشد، شورای حل اختلاف صلاحیت
رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی را خواهد داشت (بند الف ماده ۹ قانون شوراهای حل اختلاف ۹۶)

در هر حال دعوی مسئولیت مدنی مطابق با شرایط آیین دادرسی مدنی قابل طرح
و رسیدگی است. -> اضافه به ص ۲۸ جزوه بحث آن مسئولیت مدنی

بدهی است که دعوی مسئولیت مدنی باید از سوی زیان دیده اقامه شود، زیرا اقامه دعوی
از سوی کسی که ذی نفع دعوی است نیز نرفته نمی شود (ماده ۱۰۱ ق.ا.م.د)
البته ممکن است زیان دیده خود به دلیل عدم اهلیت استیفاء نتواند اقامه دعوی کند
در این صورت نماینده محصور صلاحیت اقامه دعوی را خواهد داشت، برای مثال:
چنانچه اتومبیلی بابت کودک تصادف کند و خسارات بدنی به وی وارد آورد، ولی باقیم
کودک علیه راننده یا داریزه اقامه دعوی خواهد کرد. به علاوه گاهی خسارت به یک جمع و
گروه وارد آمده است، در این گونه موارد اشخاص حقوقی اهم از شرکتها و انجمنها می توانند
به خاطر ضرر وارده به منافع گروهی اعضای خود اقامه دعوی کنند مثلاً: کارخانه و کلامی می توانند به
علت اهانت به جامعه و کلامه علیه خسارت کند. -> اضافه به ص ۲۹ جزوه

البته در موارد خاصی قانونگذار به مسئولیت تقصیری حکم کرده است، مانند مسئولیت کارفرما
و کارگران او در مقابل اشخاص ثالث (ماده ۱۴ ق.ا.م.د) در این موارد می توان همه خسارت را
از هر یک از مسئولان حادثه مطالبه کرد. البته شخصی که همه خسارت را بپردازد می تواند
برای دریافت جفقی از آن به مسئول یا مسئولان دیگر مراجعه کند. -> اضافه به ص ۳۰ جزوه

دادگاه نمی تواند به مبلغی بیش از آنچه توسط خواهان تعیین شده است رأی دهد، لیکن
نمی تواند به مبلغی کمتر از آن حکم کند، کیفیت و طریقه جبران خسارت کاملاً در اختیار
دادگاه است.

خواننده دعوی و مسئولیت مدنی دو نوع دفاع را می تواند در قبال خواهان مطرح کند:
یکی انکار مسئولیت مدنی و بیان اینکه ارکان مسئولیت مدنی محقق نشده است و
دیگری اینکه هر چند شرایط مسئولیت مدنی وجود داشته است، لیکن تقصیر ناشی از آن
با یکی از اسباب سقوط تقصیر، ساقط شده است. بنا بر این خواننده می تواند ورود خسارت
یا وجود شرایط لازم برای قابل مطالبه بودن خسارت را انکار کند و یا علل موجب فسخ
زمان بار را به اثبات برساند یا ثابت کند زمان یا فعل یا ترک فعل او رابطه سببیت ندارد
و ناشی از یک علت خارجی است. موارد مربوط به سقوط تقصیرات در قانون مدنی
(مواد ۲۶۴ به بعد) اصولاً شامل تقصیرات غیر قراردادی و الزامات حاج از قرارداد

نیز می شود. بنا بر این خواننده می تواند ایفای تقصیر، ابراء، تبدیل تقصیر، تعاقب مالکیت
مافی الذمه را به اثبات برساند و بدین ترتیب از خود دفاع کند. **افزونه به منظر لایحه دعوی**
اگر دادن مثل مالکین نزد برنده شد بوقت به شیوه درج سوم جبران خسارت یعنی دادن
قیمت من بعد، بنا بر این اگر می توان مثل مال را تسلیم کرد بوقت به برداشت قیمت
نخواهد رسید، زیرا مثل صفات نوعی مال را دارد و به مال تلف شده نزدیک تر و
هدف مسئولیت مدنی را بیشتر تأمین می کند.

در مورد خسارات معنوی نیز مانند شیوه جبران خسارت غیر نقدی بر شیوه جبران
نقدی ترجیحی ندارد زیرا در این موارد نمی توان گفت جبران غیر نقدی عرفاً و منطقیاً
هدف مسئولیت مدنی را بهتر تأمین می کند. به هر حال در عمل دادگاهها حق در مواردی
که خسارت به مال منلی وارد شده و مثل نیز یافت می شود و از مالیت هم نیفتاده
است، تا بلع به استفاده از این شیوه جبران خسارت ندارند و به دلیل سهولت شیوه
جبران نقدی خسارت و مطلوبیت پول برای عموم افراد، غالباً مبلغی پول به عنوان غرامت
تعیین می کنند و این امر مانع با قواستین و مقررات ندارد، زیرا ماده ۳۰۴ ق.م.ا.

تعیین شیوه یا کیفیت جبران خسارت را در اضیای رقعات نهاده است.
جبران نقدی خسارت ممکن است به صورت برداشت مستمری باشد که تفاوت از برداشت
اقتساطی است. در برداشت قسطی غرامت، مدت واقساط و در نتیجه مجموع مبلغ
قابل برداشت کاملاً تعیین می شود در حالی که در برداشت مستمری، مبلغ کل و مقدار
پرداختها روشن نیست و ممکن است تقصیر به برداشت مستمری تا پایان عمر
زمان دیده باقی بماند. (ماده ۵ و ۶ ق.م.ا.) **افزونه به منظر لایحه خسارت**

برای اعمال اصل جبران کامل خسارت، چنانچه شیوه جبران عمده خسارت و جبران غیر نقدی
با دادن مثل انتصاب شود، مشکلی پیش نخواهد آمد و اصولاً باید از زیان جبران متفرق نشود
اما اگر شیوه جبران نقدی خسارت و پرداخت غرامت توسط دادگاه انتخاب شود، که غالباً
ضمن شیوه در محل برگزیده می شود، دادگاه ممکن است با مستلزمات مواجه شود.

در مواردی که فاعل زیان موجب نقص مال شده باشد و تعمیر نقص امکان پذیر نباشد، حتی اگر
مال ناقص شده، قیمت و ارزش داشته باشد، به نظر می رسد دادن تفاوت قیمت مال،
موجب جبران کامل خسارت نمی شود به همین دلیل ماده ۳۲۹ ق.م.ا.ک مقرر کرده
است اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به اصل صورت اول بنا کند و اگر ممکن
نباشد باید از عمده قیمت برآید، می توان به موارد نقص و عیب اموال نیز سرایت داد
بنابراین ظاهر ماده ۳۳۰ قابل انتقاد است. این ماده مقرر می دارد: اگر کسی حیوان
متعلق به غیر را بدون اذن صاحب آن بکشد، باید تفاوت قیمت زنده رکنه آن را بدهد
در حالی که ممکن است دادن تفاوت قیمت موجب جبران کامل خسارت نشود و اساساً
زیان دیده حیوان را برای کشتن نفریده باشد. پس ماده را باید به مواردی حمل کرد که
حیوانی برای مصرف گوشت آن نگاهداری می شده و دادن تفاوت قیمت زنده و
کشته، خسارت را به صورت کامل جبران می کند. در غیر این مورد دادگاه می تواند با توجه
به اصل جبران کامل خسارت از احتیاط سبب شده در ماده ۳۰۰ استفاده کند
قیمت کشته یعنی را برای جبران خسارت مقرر دارد. **حاشا نه به اصل مشکلات اعمال اصل**

با توجه به املاق ماده ۵ به نظر می رسد که حتی در صورت عدم ذکر قابلیت تعدیه نظر، ذی نفع می تواند
به استناد ماده مزبور تعدیه نظر در حکم قطعی را نقض کند و این قاعده هم در مورد کاهش و هم
خصوصاً افزایش ضرر قابل اعمال است البته یک قاعده استثنای است که مدت تعدیه نظر در
آن به دو سال از تاریخ صدور حکم نیز محدود شده است. مرجع تعدیه نظر همان دادگاه صادر کننده
حکم نخستین است. **اصناف به ص ۳۱ - جهت تفسیر خسارت به از صدور حکم قطعی**

البته گاهی اصل حاکمیت اراده محلا و به موارد فوق با توافق تمامی نیز محدود می شود و قرارداد
عدم مسئولیت باطل به نفعی آید، (مانند ماده لا قانوله حمایت از حقوق مصرف کنندگان ضروری
مصرف ۲۳، ۲۴، ۲۵ و نیز ماده ۵۳ قانوله در این مصرف ۱۳۴۳) که ناظر بر مسئولیت
وظایف متعددی با برتری است.

در قرارداد یا شرط تعدیه مسئولیت، تسقینی برای مسئولیت با توافق طرفین تعیین
می شود که به موجب آن مبلغی که بر عمده مسئول حادثه قرار می گیرد نمی تواند از ازاله مجاوز
کند، حتی اگر میزان خسارت وارده بیش از آن باشد مانند آنچه در سبب قراردادهای
حمل و نقل کالا یا مسافر دیده می شود. قرارداد تعدیه مسئولیت گاهی به تن صورت
است که کامل زیان بازماندیده توافق می کند خسارت ناشی از نقل ضرر را حتی
اگر تعدیه محسوب نشود بر عهده بگیرد یا آنکه شخص طرف قرارداد خسارت ناشی از قوه
قاهره را هم تقبل می کند. **اصناف به ص ۳۲ - جهت استثنای اصل جبران خسارت**

در مواردی استثنائاً شخصی به دلیل اعمال دیگران مسئول به شمار می آید و جبران زیان ناشی از فعل غیر بر عهده او قرار می گیرد، مانند سرباز است صفیر ممتاز که مسئولیت زیان به بار آمده از عمل صفیر بر عهده او قرار گرفته است و در مواردی قانونگذار مسئولیت بدون تقصیر را مقرر نموده و مبنای غیر از تقصیر را برای مسئولیت مدنی انتخاب کرده است. مثل: مسئولیت رانندگان وسیله نقلیه زمینی موتوری. در این گونه موارد که یا اصل شخصی بودن مسئولیت مدنی در اصل مبتنی بودن مسئولیت مدنی بر تقصیر، تحقیق نموده مسئولیت های ویژه و خاص به معنای حقیقی به وجود می آید. در عین حال در برخی موارد نیز هر چند مسئولیت مدنی به علت فعل شخصی و بر مبنای تقصیر است، لیکن قانونگذار مقررات جداگانه و خاصی را مقرر کرده است و از این روی تازان در این موارد هم مسئولیت را ویژه نامیده. مثل: مسئولیت ناشی از اشیاء بی جان یا نگهداری حیوان -

منظور از مسئولیت ناشی از اشیاء بی جان مسئولیت جبران زیان است که به وسیله اشیاء بی جان به بار می آید و مقصود از مسئولیت ناشی از حیوانات مسئولیت است که به علت عمل حیوانات برای مالک یا متصرف آنها ایجاد می شود. → ماده ۱۳۳ قانون مدنی و ماده ۱۰۲۳ ق.ا.م.ا. → در ماده مزبور در فرض عدم تقصیر متصرف علم، مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر است، یعنی قانون گذار فرض می کند که در این گونه موارد اذله دهنده مقصر و مسئول است مثل اینکه عدم تقصیر او به این است برسد. ماده ۱۰۲۰ ق.ا.م.ا. → این ماده با مبنای تقصیر سازگار است، چون این ماده شامل مواردی نمی شود که حیوان در جای مجاز متوقف شده و به اشتباه طی به سوار حیوان مشغول گشت. → ماده ۳۴ قانون مجازات اطفال و نوجوانان

نکته: ماده ۵۲۱ ق.ا.م.ا. → در این ماده برای عدم ضمان دو شرط مقرر شده است: اولاً آتش در ملک مجاز روشن شده باشد و ثانیاً روشن کننده بدانند که آتش به جای دیگری سرایت نمی کند یا محوطه آتش مجاز و غالباً نیز سرایت نکند، بنابراین در صورتی که شخصی در ملک خود روشن کند و بدانند به جای دیگری سرایت نمی کند یا عرفاً آتش قابل سرایت باشد و سرایت هم نکند، در این صورت روشن کننده ضامن خسارات است هر چند آتش به مقدار نیاز روشن کننده باشد.

فصل ششم: مسئولیت‌های ویژه

مقدمه: اصولاً اشخاص مسئول خساراتی هستند که شخصاً به بار می‌آورند. مبنای اصلی مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ما تقصیر است اما این مسئله استثنائاتی دارد مانند سرپرست صغیر ممیز که مسئولیت زیاد به بار آمده از عمل صغیر بر عهده او قرار گرفته است در مواردی قانون‌گذار مسئولیت بدون تقصیر را مقرر نموده و مبنای غیر از تقصیر را برای مسئولیت مدنی انتخاب کرده است مثل مسئولیت رانندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی

به دلیل وجود مقررات خاص در قوانین موضوعه این موارد ویژه قلمداد می‌شوند هرچند قواعد عمومی مسئولیت مدنی نسبت به آن‌ها جاری است اما در مسئولیت‌های ویژه از دو اصل شخصی بودن مسئولیت و اصل تقصیر پیروی نشده است

مبحث یکم: مسئولیت ناشی از اشیا و حیوانات

منظور از مسئولیت ناشی از حیوانات مسئولیتی است که به علت عمل حیوانات برای مالک یا متصرف آن‌ها ایجاد می‌شود

مسئولیت ناشی از اشیای بی‌جان

در حقوق ایران ذیل تسبیب سه موضوع خاص در سه ماده ۳۳۳ تا ۳۳۵ مطرح شده است در همه آن‌ها مسئولیت مبتنی بر تقصیر است و بدون اثبات آن به جبران خسارت‌ها حکم داده نمی‌شود

ماده ۳۳۳

صاحب دیوار یا عمارت یا کارخانه مسئول خساراتی است که از خراب شدن آن وارد می‌شود مشروط بر این که خرابی در نتیجه عیبی حاصل گردد که مالک مطلع بر آن بوده و یا از عدم مواظبت او تولید شده است.

بنابراین اگر خسارت از ای بی حاصل شود که مالک از آن آگاه نبوده جای دل مواظبت مالک تولید شده مالک مسئولیتی نخواهد داشت

قاعده مقرر در این ماده در قانون مجازات نیز مورد تأکید قرار گرفته است ماده ۵۱۹

هرگاه دیوار یا بنایی که برپایه استوار و غیرمتمایل احداث شده است در معرض ریزش قرار گیرد یا متمایل به سقوط به سمت ملک دیگری یا معبر گردد اگر قبل از آنکه مالک تمکن اصلاح یا خراب کردن آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب گردد، ضامن منتفی است مشروط به آنکه به نحو مقتضی افراد در معرض آسیب را از وجود خطر آگاه کرده باشد. چنانچه مالک با وجود تمکن از اصلاح یا رفع یا آگاه سازی و جلوگیری از وقوع آسیب، سهل انگاری نماید، ضامن است.

تبصره - هرگاه دیوار یا بنایی که ساقط شده متعلق به صغیر یا مجنون باشد ولی او ضامن است و اگر بنای مذکور از بناهای عمومی و دولتی باشد، متولی و مسئول آن ضامن است.

منظور از تمکن در این ماده تمکن مالی است بلکه مقصود امکان و فرصت متعارف است همچنین در مواد ۵۱۶ و ۵۰۷ و ۵۱۷ و ۵۰۸ شخص را در صورتی مسئول می‌داند که مرتکب تقصیر شده باشد

در قانون فرانسه اشخاص مسئول زیان‌های ناشی از اشیای بیجان تحت حفاظت خود می‌باشند مگر آن که ثابت کنند زیان وارده ناشی از یک علت خارجی بوده است و اثبات بی‌تقصیری موجب معافیت از مسئولیت نمی‌شود بنابراین حقوق فرانسه در زمینه مسئولیت ناشی از اشیاء بی‌جان با حقوق ایران تفاوت دارد زیرا در این موارد در حقوق فرانسه مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست و مسئولیت بدون تقصیر نیز پذیرفته شده است

مسئولیت ناشی از مالکیت و نگاهداری حیوان

ماده ۳۳۴ قانون مدنی مقرر می‌دارد مالک یا متصرف حیوان مسئول خساراتی نیست که از ناحیه آن حیوان وارد می‌شود مگر این که در حفظ حیوان تقصیر کرده باشد لیکن در هر حال اگر حیوان به واسطه عمل کسی منشاء ضرر گردد فاعل آن عمل مسئول خسارات وارده خواهد بود.

قانون‌گذار در این ماده مبنای تقصیر را پذیرفته و تنها در صورتی که مالک یا متصرف حیوان را مسئول می‌داند که تقصیر کرده یا احتیاطات لازم را انجام نداده باشد البته این ماده شامل حیوانات غیرمتعارف نمی‌شود به دیگر سخن نگاهداری این گونه حیوانات غیرمتعارف تقصیر به شمار می‌آید و به داشتن تقصیر دیگری نیازی نیست

بخش انتهایی ماده ناظر به موردی است که حیوان به وسیله عمل شخصی تحریک شده و ضرری به بار آورد که در این صورت تحریک کننده مسئول است چون ضرر مستند به تقصیر است

ابتدای ماده ۵۲۲ قانون مجازات ماده ۳۳۴ را تأکید می‌کند: ماده ۵۲۲

متصرف هر حیوانی که از احتمال حمله آن آگاه است باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر تقصیر او، حیوان مزبور به دیگری صدمه وارد سازد، ضامن است... اما البته منوط نمودن مسئولیت به آگاهی از حال حیوان در ظاهر با مفهوم نوعی تقصیر سازگار است زیرا آگاهی و قابلیت انتساب روانی جزو عناصر تشکیل دهنده تقصیر نیست و رفتار شخص با انسان متعارف سنجیده می‌شود اما در این ماده آگاهی شخص مالک مورد توجه قرار گرفته است

البته در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت املاک تشخیص علم صاحب حیوان نسبت به خطر نوعی است لذا چنانچه قرائن و شواهد بیرونی آگاهی نوعی و عرفی برای اشخاصی ایجاد کند صاحب حیوان نیز قالب به وضعیت حیوان تلقی می‌شود

انتهای ماده مزبور مقرر می‌دارد ولی اگر از احتمال حمله حیوان آگاه نبوده و عدم آگاهی ناشی از تقصیر او نباشد، ضامن نیست.

این قسمت از ماده با قواعد عمومی سازگار است بنابراین اگر کسی سگ بزرگی را که خطر حمله به دیگران در آن هست نگهداری کند نمی‌تواند به این بهانه که از احتمال حمله حیوان ناآگاه بوده در حالی که به طور متعارف خطر حمله حیوانات شکار بوده از مسئولیت شانه خالی کند و یا با این دفاع که از لحاظ وضعیت جسمانی قادر به جلوگیری از حمله حیوان نبوده است زیرا در چنین حالتی صرف نگهداری حیوان عمل غیر متعارف و تفسیر است به همین دلیل تبصره ماده تبصره یک ماده مزبور تصریح می‌کند تبصره ۱- نگهداری حیوانی که شخص توانایی حفظ آن را ندارد، تقصیر محسوب می‌شود.

بنابراین در صورت آگاهی صاحب حیوان از حال حیوان و توانایی حفظ آن، اگر اتفاقاً حادثه پیش آمد و صاحب حیوان قادر به نگهداری آن نبود ضامن نیست

۵۲۳ با مسئولیت مبتنی بر تقصیر یا تسبیب چندان هماهنگ نیست ماده ۵۲۳

هرگاه شخصی با اذن کسی که حق اذن دارد، وارد منزل یا محلی که در تصرف اوست، گردد و از ناحیه حیوان یا شیئی که در آن مکان است صدمه و خسارت ببیند، اذن دهنده ضامن است، خواه آن شیء یا حیوان قبل از اذن در آن محل بوده یا بعداً در آن قرار گرفته باشد و خواه اذن دهنده نسبت به آسیب‌رسانی آن علم داشته باشد خواه نداشته باشد.

این ماده مانند بسیاری از دیگر مواد قانون مجازات از فقه گرفته شده و مستند به روایاتی است که قوی نیستند در حالی که طبق قاعده اگر صاحب‌خانه به‌طور معمول اقدام به ثبت نگهداری حیوان کند و با وجود همه تلاش‌های متعارف او بدون علم به آسیب‌رسانی حیوان مهم آن آسیب ببیند و نباید از دهنده را مسئول دانست چون تقصیر مرتکب نشده است به نظر برخی اساتید حقوق قانون‌گذار در این مورد مسئولیت محض را برای اعضاء نده مقرر کرده است که با اثبات بی‌تقصیری نیز از عهده او برداشته

نمی‌شود به دلیل آنکه اگر مسئولیت مبتنی بر تقصیر باشد در بسیاری از موارد خسارت زیان دیده بدون جبران باقی می‌ماند چراکه اثبات تقصیر مالک حیوان بسیار دشوار است در این ماده قانون‌گذار حجم دهنده را مسئول تلقی نموده است در حالی که ممکن است از دهنده مالک حیوان باشد و از آنجا که مسئولیت محض خلاف اصل است باید حکم این ماده را تنها ناظر به عضو دهنده‌ای که مال به حیوان است بدانید مگر اینکه از دهنده علم به آسیب‌رسانی حیوان داشته باشد که در این صورت به دلیل تقصیر طبق قواعد عمومی مسئول شناخته می‌شود

البته می‌توان گفت در ماده مزبور یعنی از دهنده مقصر و مسئول است مگر اینکه عدم تقصیر را اثبات کند به همین دلیل تبصره ماده مزبور مقرر می‌دارد

تبصره - در مواردی که آسیب مستند به مصدوم باشد مانند آنکه واردشونده بداند حیوان مزبور خطرناک است و اذن دهنده از آن آگاه نیست و یا قادر به رفع خطر نمی‌باشد، ضامن منتفی است.

ماده ۵۲۴: هرگاه کسی که سوار حیوان است آن را در معابر عمومی یا دیگر محلهای غیر مجاز متوقف نماید در مورد تمام خسارتهایی که آن حیوان وارد می‌کند و مستند به فعل شخص مزبور می‌باشد ضامن است و چنانچه مهار حیوان در دست دیگری باشد مهارکننده به ترتیب فوق ضامن است.

ماده ۵۲۴ با مبنای تقصیر سازگار است و شامل موردی که حیوان در جای مجاز متوقف شده و بی احتیاطی به سوار حیوان منسوب نیست نمی‌شود

توقف حیوان در محل عمومی یا غیر مجاز باشد چون ایجاد خطر در محل‌های عمومی و غیر مجاز قابل پیش بینی است و انسان متعارف حیوان را در مکان عمومی یا غیر مجاز متوقف نمی‌کند سوار حیوان مقصر و مسئول خسارات است

مسئولیت متصرفین املاک نسبت به املاک مجاور

تحلیل مواد ۳۰ و ۱۳۲ قانون مدنی

ماده ۳۰: هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. یکی از این استثنایا تصرفاتی است که موجب تراحم سایه می‌شود چراکه گفته شد هیچ حقی مطلق نیست و مالک تنها می‌تواند تصرفات عارف را نسبت به مایملک خود اعمال کند ماده ۱۳۲ کسی نمی‌تواند در ملک خود تصرفی کند که مستلزم تضرر همسایه شود مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت یا رفع ضرر از خود باشد. ظاهر این ماده با دو شرط می‌پذیرد که مالک در ملک خود تصرف کند که به ضرر همسایه منجر شود یکی تصرف به قدر متعارف باشد و دیگر اینکه تصرف برای رفع حاجت یا ضرر باشد اما در واقع دو شرط یادشده در یک شرط خلاصه می‌شود و آن این است که تصرف به صورت متعارف باشد. فقها این بحث را ضمن مباحث قاعده لاضرر مطرح نمودند برخی فقها معتقدند مالک می‌تواند به ضرر از خویش در ملک خود تصرف کند لیکن این جواز با عدم مسئولیت مدنی مالک ملازمه ندارد و اگر ضرر مستند به فعل مالک متصرف باشد در قبال همسایه ضامن خسارات است مثل روشن کردن آتش در ملک خویش که موجب آتش‌سوزی در ملک همسایه شود.

برخی دیگر از فقها نیز تصرف مالک در ملک خویش را تنها در صورتی مجاز می‌دانند که ضرر عدم تصرف از ضرری که در نتیجه تصرف به همسایه می‌رسد مهم‌تر و بیشتر باشد در این حالت در نتیجه اضطراب مجوز اضرار به غیر وجود خواهد داشت.

حقوقدانان با استناد به ماده ۱۳۲ قانون مدنی معتقدند اصولاً اگر عملی مجاز باشد انسان برای انجام دادن آن مسئولیتی نخواهد داشت با این وجود برخی از اساتید معتقدند تفاوت ضرری که مالک در نتیجه خودداری از تصرف در ملک خود تحول می‌کند نسبت به ضرر یک همسایه در اثر تردف حقوق متحمل می‌شود زیاد باشد و ضرر مالک کمتر از ضرر همسایه باشد عرفاً مالک باید ضرر کمتر را تحمل کند و تصرف در ملک خویش را ترک نماید زیرا عرف دیگر تصرفات مالک را متعارف محسوب نمی‌کند

در ماده ۵۲۱ قانون مجازات فعلی همان حکم ماده ۳۵۳ سابق تکرار شده است و تغییر قانون تنها از لحاظ لفظی بوده است البته به جا بود قانون گذار با توجه به فقه به جای عبارت و غالباً نیز سرایت بکند عبارت یا غالباً نیز سرایت بکند می آورد زیرا از نظر فقهی یکی از دو ضابطه شخصی یا نوعی برای زمان کافی است به این معنی که اگر مثلاً کسی در ملک خود آتش روشن کند و آتش عرفاً قابل سرایت باشد و سرایت کند روشن کننده ضامن است اگرچه علم به سرایت نداشته باشد بنابراین هرگاه صرف روشن کردن آتش غیر متعارف باشد یا اقدامات احتیاطی برای جلوگیری از سرایت آتش به کار نرفته باشد و سرایت مستند به روشن کننده آتش باشد مسئولیت برعهده روشن کننده است چون در تسبیب بدان گونه که حقوق آن‌ها گفته‌اند تقصیر شرط است و تحقق رابطه سببیت به تنهایی برای مسئولیت مدنی کافی نیست

مسئولیت رانندگان و دارندگان وسایل نقلیه

خسارات ناشی از تصادفات وسایل نقلیه در گذشته در کنار خسارات دیگر مورد مطالعه قرار می گرفت اما با توجه به افزایش اینگونه خسارات در کشورهای مختلف سعی شد از زیان دیده در این حوادث حمایت شود در ایران نیز هر چند ماده ۳۳۵ قانون مدنی حکم تصادف وسایل نقلیه را مقرر نموده بود و شخصی را که تصادف در نتیجه عمد یا مسامحه او حاصل شده مسئول تلقی کرده بود که به دلایلی در سال ۱۳۴۷ قانون خاص با عنوان قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل اشخاص ثالث به تصویب رسید تا حمایت بیشتری از زیان دیدگان این وسایل نقلیه به عمل آورد

مبنای مسئولیت

در حقوق مدنی ایران تقصیر به عنوان مبنای آن مسئولیت مدنی پذیرفته شده است و مسئولیت بدون تقصیر استثناء و قاعده عام مذکور به شمار می آید طبق ماده ۳۳۵ نیز مبنای مسئولیت تقصیر است و بدون اثبات آن مسئولیت محقق نمی شود اما با تصویب قانون مجازات اسلامی قاعده آن به مسئولیت ناشی از حوادث رانندگی تغییر کرد طبق ماده ۵۲۸ قانون مجازات هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آن‌ها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

طبق این ماده برای تحقق مسئولیت اثبات تقصیر لازم نیست و کافی تیمی آن ورود ضرر و فعل فاعل رابطه سببیت وجود داشته باشد بنابراین می توان گفت در این ماده مبنای مسئولیت نظریه خطر است و خسارات ناشی از وسایل نقلیه از مصادیق اتلاف و تسبیب.

این تغییر یعنی تغییر مسئولیت در ماده ۳۳۵ به ماده ۵۲۸ را می توان به این صورت توجیه کرد که معیار تشخیص اتلاف از تسبیب عرف است و دیدگاه عرف از زمان تصویب قانون مدنی تا زمان تصویب قانون مجازات تغییر کرده است امروزه وسیله نقلیه به عنوان واسطه میان ورود ضرر و فعل فاعل زیان، نادیده گرفته می شود و از مصادیق مباشرت در جنایت شناخته شده است

توجیه دیگر اینکه قانون گذار طبق نظر غالب فقها مصرف رابطه سببیت و استناد را برای تحقق مسئولیت مدنی کافی دانسته است در حال هر کدام از این توجیه درست باشد قاعده آن مسئولیت ناشی از وسایل نقلیه تغییر کرده و دیگر معتبر تقصیر نیست و مسئولیت محض و عینی مقرر شده است البته با وجود این، مفهوم تقصیر در ماده فوق کاملاً منتفی نیست چراکه به موجب ماده مذکور اگر یک طرف مقصر باشد خسارات به او نسبت داده می شود و فقط مسئول جبران است

مبنای مسئولیت در قانون بیمه اجباری شخص ثالث

ماده ۱ قانون بیمه اجباری مصوبه ۴۷ مسئولیت را طبق گرایش‌های نوین حقوقی مسئولیت این نوعی و به محض قلمداد کرده و دارنده بدون آن که تحصیل کرده و اثبات آن لازم باشد مسئول شناخته بود به عبارت دیگر نظریه خطر را به عنوان مبنای نظری در این ماده پذیرفته بود با تصویب اصلاح قانون بیمه اجباری در سال ۸۷ قانون قبلی تغییر کرد و حکم مسئولیت دارنده از متن ماده حذف شد البته تبصره ۲ آن به نوعی ناظر به مسئولیت بود که طبق آن صرف انتساب ضرر به فعل یا ترک فعل دارنده یا راننده کافی بود و اثبات تقصیر لازم نبود. در قانون بیمه اجباری سال ۹۵ اساساً مسئولیت مدنی برای دارندگان وسایل نقلیه حذف شد و تبصره ۲ ماده دو آن نیز به نحوی تدوین شده که ظاهراً مسئولیت دارندگان وسایل نقلیه به تحصیل بیمه نامه محدود شده است و چنانچه راننده وسیله نقلیه شخصی غیر از دارنده باشد مسئولیت مدنی متوجه اوست دارند و زیان دیده یا قائم مقام او باید دعوا را حسب مورد علیه بیمه گر و یا مسبب حادثه و یا مسبب حادثه و صندوق طرح کند ندارند.

در مورد مبنای این مسئولیت ۲ احتمال به نظر می‌رسد احتمال اول اینکه قانون گذار یک نوع مسئولیت مطلق برای راننده در نظر گرفته است در این صورت مبنای مسئولیت نظریه خطر نیست احتمال دیگر آن است که چون بند ۱ ماده ۴ قانون ۴۷ تأکید بر عهده بدیهی بوده است تصریح به اینکه خسارات ناشی از قوه قاهره از شمول فیلم خارج است فایده‌ای نداشته است توضیح آن که بیمه مقرر در قانون از نوع بیمه مسئولیت مدنی است و یکی از ارکان مسئولیت مدنی رابطه سببیت است و در صورت وجود قوه قاهره این رابطه قطع می‌شود و مسئولیتی به بار می‌آید تا بیمه آن را پوشش دهد به علاوه در ماده ۱۷ قانون تنها موارد ذکر شده که با وجود تحقق ارکان مسئولیت مدنی بیمه گر تعهد به جبران خسارت به ندارد و ناظر به مواردی نیست که بعضی از ارکان مسئولیت مدنی وجود نداشته باشد مانند مورد قوه قاهره البته طبق قواعد عمومی بیمه مسئولیت همچنان خسارات ناشی از قوه قاهره جزو تعهدات بیمه گر نیست به نظر می‌رسد احتمال اول دور از ذهن نیست هر چند احتمال دوم با قواعد عمومی بیمه مسئولیت سازگارتر است زیرا در این قانون قابل بازار به دنبال حمایت از زیان دیده است و احتمال اول با این هدف سازگارتر است

هدف اصلی قانون جدید بیمه اجباری مصوب ۹۵ بر آن خسارات وارد به اشخاص ثالث از طریق بیمه بوده است و از این رو می‌توان گفت مبنای این قانون نظریه تضمین گروهی است که یکی از نظریه‌های جدید مربوط به مبنای مسئولیت است در واقع با قبول این نظریه بیمه جایگزین مسئولیت مدنی می‌شود و زیان دیده می‌توان جای مراجعه به واردکننده زیان برای جبران خسارت به بیمه گر رجوع کند

مسئول خسارات ناشی از حوادث رانندگی

تفکیک بین قواعد عام و خاص

ممکن است همیشه راننده وسیله نقلیه مالک آن نباشد در این صورت طبق ماده ۳۳۵ و ۵۲۸ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و مطابق قواعد عام مسئولیت خسارت ناشی از حوادث رانندگی بر عهده راننده قرار می‌گیرد نه مالک زیرا در این فرض راننده مباشر محسوب می‌شود و مسئولیت اصولاً بر عهده مباشر است

در گذشته مقررات خاص مسئولیت مدنی ناشی از حوادث رانندگی ناظر به دارنده بود. منظور از دارنده مالک است و چون معمولاً مالک بر مال خود سلطه دارد و باید مراقب باشد تا از وسیله نقلیه به نحوی استفاده شود که به دیگری ضرری نرسد. در تبصره ماده ۱ قانون بیمه ۱۳۸۷ دارنده را این گونه تعریف شده است دارنده از نظر این قانون اعم از مالک یا متصرف وسیله نقلیه است و هرکدام که بیمه نامه موضوع این ماده را تحصیل نمایند تکلیف از دیگری ساقط می‌شود

به دیگر سخن مالک سلطه معنوی بر اتومبیل خود دارد و اگر سلطه معنوی او به دیگری منتقل شده است مالک دیگر دارنده نیست تبصره ۱ ماده ۲ قانون ۱۳۹۵ نیز عیناً همان عبارت را بیان می‌کند. با این وجود این سوال مطرح است که ملاک تشخیص

دارنده چیست؟ چنانچه مالک و متصرف بیمه‌نامه موضوع قانون را تحصیل نمایند و خسارتی در حوادث رانندگی به بار آید چه کسی مسئول است؟

با توجه به قواعد عمومی باید راننده را مسئول شناخت این نظر با اصول حقوقی و فقه اسلامی هماهنگی دارد زیرا خسارت مستند به راننده است و صرف مالکیت بدون وجود رابطه سببیت نباید موجب مسئولیت مدنی باشد

اگر بیمه‌نامه تحصیل نشده و حادثه ای رخ دهد مسئول نهایی کیست؟ فرض کنید مالک اتومبیل را بیمه نکرده و از دیگری می‌خواهد که با اتومبیل او فرزندش را از مدرسه به خانه بیاورد چنانچه در این میان در نتیجه تقصیر راننده حادثه ای رخ دهد و زیان دیده علیه راننده اقامه دعوانماید آیا راننده می‌تواند به استناد اینکه مالک به تکلیف قانونی خویش عمل ننموده است خسارت پرداختی را از دارنده مطالبه کند؟

مثال فوق بیشتر درباره خسارت های مالی قابل طرح است. زیرا درباره خسارت های بدنی صندوق تامین خسارتهای بدنی طبق ماده ۲۱ عهده‌دار پرداخت خسارت است هرچند بیمه‌نامه تحصیل نشده یا قرارداد بیمه ابطال یا معلق شده باشد. اما از آنجا که صندوق در اجرای تعهد قانونی خود جبران خسارت می‌کند اصولاً نباید حق رجوع به واردکننده زیان داشته باشد اما از ماده ۲۵ قانون جدید چنین برمی‌آید که صندوق در مواردی می‌تواند پس از جبران خسارت به مسئول حادثه رجوع کند. درهرحال در پاسخ به سوال فوق می‌توان گفت اصولاً مسئولیت راننده در مقابل زیان دیده مسئولیت ناشی از فعل غیر نیست و راننده مباشر محسوب می‌شود بنابراین اگر خسارت توسط خود راننده پرداخت شود و بیمه‌نامه ای توسط دارنده تحصیل نشده باشد، راننده اصولاً نمی‌تواند به دارنده رجوع کند زیرا نمی‌توان گفت خسارت به بار آمده ناشی از عدم تحصیل بیمه‌نامه توسط دارنده بوده است

در فرضی که دارنده سبب اقوی از مباشر باشد مسئولیت بر عهده اوست مثلاً دارنده اتومبیلی که فاقد بیمه‌نامه است کارگرش را برای انجام ماموریت اداری به جایی بفرستند و کارگر به خاطر ترس از دست دادن شغل نتواند به کارفرما اعتراض کند و در حین رانندگی خسارتی به بار آید در این فرض با توجه به عرف، دارنده سبب اقوا است و مسئولیت بر عهده اوست بنابراین حکم به پرداخت جزای نقدی برای دارنده که بیمه‌نامه تحصیل نموده و خودرو با اذن او در اختیار راننده مسبب حادثه قرار گرفته و خسارت بدنی به بار آورده مانع مسئولیت مدنی دارنده در موارد مزبور نیست چنانچه در تبصره ۳ ماده ۱۵ قانون بیمه اجباری ۱۳۹۵ نیز به این امر تصریح شده است

ذی‌نفع موارد مسئولیت در قواعد عام

طبق قاعده هر کسی که زیان دیده است می‌تواند به قواعد عام مسئولیت ناشی از وسایل نقلیه استناد و جبران خسارت خویش را مطالبه کند این قاعده در قوانین و مقررات عام تخصیص نخورده است البته زیان دیده باید ارکان مسئولیت را به اثبات برساند و ثابت کند ضرر ایجاد شده با فعل یا ترک فعل راننده رابطه سببیت داشته است

ذینفع مسئولیت در قانون بیمه اجباری شخص ثالث

شخص ثالث یعنی هر شخصی که به سبب حوادث موضوع این قانون دچار خسارت بدنی و یا مالی شود به استثنای راننده مسبب حادثه

بنابراین راننده حادثه شخص ثالث محسوب نمی‌شود. قانونگذار در قانون بیمه اجباری ۹۵ درصد حمایت از راننده مسبب حادثه برآمده و دارنده خودرو را مکلف نموده تا برای پوشش خسارت های بدنی وارد شده به او حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام بیمه حوادث اخذ کند تا در صورت فوت یا جراحت بیمه‌گر دیه فوت یا جرح و همچنین هزینه معالجه او را پرداخت کند

اگر دو راننده با یکدیگر تصادف کنند رانندگان دو وسیله در برابر یکدیگر ثالث تلقی می‌شوند و می‌توانند از بیمه‌گر طرف مقابل بخشی از خسارت خویش را مطالبه کند

اگر در اثر حادثه رانندگی به دارنده ای که بیمه نامه را تحصیل نموده خسارتی وارد آید ولی او راننده مسبب حادثه نباشد و با اتومبیل که خود بیمه کرده آسیب ببیند آیا می‌توان وی را به‌عنوان شخص ثالث دانست که به بیمه گر رجوع کند؟ در پاسخ می‌توان گفت چون قانون ناظر به خسارت شخص ثالث است و بیمه گذار طرف قرارداد بیمه است طبق قواعد عمومی شخص ثالث محسوب نمی‌شود یعنی شخص ثالث شخصی غیر از طرف قرارداد بیمه است پاسخ دیگر اینکه چون در بند ت ماده یک فقط راننده مسبب حادثه استثنا شده است بیمه گذار از شمار شخص ثالث خارج نشده است پس قانون گذار خواسته است که بیمه گذار نیز شخص ثالث محسوب شود لذا اگر بیمه گذار که راننده نبوده آسیب ببیند میتواند به بیمه گر خویش مراجعه کند و تا حد امکان زیانی بدون جبران باقی نماند این پاسخ این حسن را دارد که زیان وارده به همه اشخاص تحت شمول قانون بیمه قرار می‌گیرد

خسارات قابل مطالبه

در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی محدودیتی از حیث نوع یا میزان خسارات قابل مطالبه وجود ندارد و هر نوع خسارتی که در دیگر حوادث قابل مطالبه است در حوادث ناشی از وسایل نقلیه باید جبران شود البته چنانچه خسارت ناشی از تصادف دو وسیله نقلیه باشد ماده ۵۲۸ مقرر می‌دارد که هر یک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است

خسارات قابل مطالبه به استناد قانون بیمه اجباری شخص ثالث

منظور از خدمات بدنی در این قانون: هر نوع دیه یا ارش ناشی از هر نوع صدمه به بدن مانند شکستگی نقص و از کار افتادگی عضو اعم از جزئی یا کلی موقت یا دائم دیه فوت و هزینه معالجه و با رعایت ماده ۳۵ این قانون به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون

منظور از خسارت‌های مالی زیان‌هایی است که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد میشود

بنابراین خسارات معنوی ناشی از درد / و رنج صدمه‌های بدنی که زائد بر دیه باشند و خسارات ناشی از عدم النفع مشمول این قانون قرار نمی‌گیرد و بیمه‌گر تعهدی به جبران این خسارات ندارد البته حسن این قانون نسبت به قواعد عام آن است که در اینجا به صراحت اعلام نموده است که هزینه‌های معالجه نیز چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد با لحاظ ماده ۳۰ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت علاوه بر دیه قابل پرداخت است بدین ترتیب به تردید درباره قابل مطالبه بودن هزینه معالجه مازاد بر دیه دست‌کم در این مورد خاص پایان داده است

در این قانون مسئولیت محدود است و به میزانی که در قانون پیش‌بینی شده یعنی حداکثر مبلغ مطالبه بابت خسارت بدنی مطابق ماده ۸ معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماه‌های حرام و بابت خسارت مالی معادل حداقل دو و نیم درصد از تعهدات بدنی است اگر خسارت وارده بدنی بیش از یک دیه باشد و زیان دیدگان چند نفر باشند باز هم خسارت به وسیله بیمه گر جبران می‌شود به این صورت که بیمه گر بر طبق ماده ۱۲ قانون بیمه اجباری ۹۵ مکلف به پرداخت خسارت بدنی به میزان ظرفیت مجاز وسیله نقلیه در سقف تعهدات بدنی بیمه نامه به افراد داخل وسیله نقلیه و به زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه مسبب حادثه است. البته مطابق ماده مزبور تعداد جنین و اطفال زیر دو سال نیز به ظرفیت مجاز اضافه می‌شود. اگر عدم رعایت ظرفیت مجاز موجب شود مجموعه خسارات بدنی زیان‌دیدگان داخل وسیله نقلیه بیش از سقف مذکور باشد یا زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از ۱۰ برابر سقف تعهدات بدنی بیمه نامه باشند مبلغ مورد تعهد بیمه گر میان زیان دیدگان تسهیم می‌شود و مابقی خسارات بدنی توسط صندوق تأمین خسارتهای بدنی جبران می‌شود.

نکته دیگر اینکه در این قانون در صورت فوت یک زن مسلمان در اثر حادثه رانندگی بیمه گر موظف است دیه کامل مرد مسلمان را پرداخت نماید هر چند مسئولیت تنها نسبت به نصف دیه مرد مسلمان به وجود آمده باشد. این مبلغ مازاد بر دیه به عنوان بیمه حوادث بر اساس قرارداد بیمه و به حکم قانون پرداخت می‌شود و از اینرو منافات با شرع و قانون مجازات اسلامی دارد

تبصره ماده ۵۵۱ مقرر می‌دارد در کلیه جنایاتی که مجنی علیه مرد نیست معادل تفاوت دیه تا سقف یک مرد از صندوق تامین خسارتهای بدنی پرداخت می‌شود درباره غیر مسلمانان از اقلیت های دینی که در قانون اساسی به رسمیت شناخته نشده اند قانون مجازات اسلامی حکمی ندارد با این وجود بیمه گر چنانچه در حوادث رانندگی به این اشخاص خسارت بدنی وارد آید دیه ای برابر دیه مسلمانان پرداخت میکند

تعهداتی که برعهده شرکت های بیمه گذاشته شده چندان با عنوان بیمه مسئولیت سازگار نیست چرا که حتی اگر نسبت به خسارات وارد آمده مسولیتی نباشد باز هم بیمه گر متعهد به جبران خسارت است. این موارد را می‌توان بیمه حوادث نامید

در خصوص خسارات مالی حکم جدیدی آمده است در تبصره ۳ ماده ۸ مقرر شده است که خسارات مالی ناشی از حوادث رانندگی صرفاً تا میزان خسارات متناظر وارده به گرانترین خودروی متعارف از طریق بیمه نامه شخص ثالث و یا مقصر حادثه قابل جبران خواهد بود به نظر می‌رسد این تبصره دچار اشکال است زیرا روشن نیست به چه دلیل باید از قاعده عمومی اصل جبران کامل خسارت چشم‌پوشی کرد و مسئولیت راننده مسبب حادثه را محدود نمود به نظر نمی‌رسد که استفاده از خودروی بسیار گران قیمت تقصیر محسوب گردد و نمی‌توان بخشی از خسارت را به خود زیان دیده نسبت داد.

در صورت تصادف دو وسیله نقلیه دو حالت وجود دارد. حالتی که تصادف در اثر تقصیر یکی از دو راننده به بار آمده در این حالت راننده ای که حادثه منحصراً در نتیجه تقصیر او ایجاد شده ثالث تلقی نمی‌گردد حالت دوم اینکه تصادف در نتیجه تقصیر هر دو راننده رخ داده است در این حالت رانندگان در برابر یکدیگر ثالث تلقی می‌شود. برخی از اساتید حقوق این اشکال را مطرح کردند که اگر هر راننده مسئول نیمی از خسارت باشد شرکت‌های بیمه منتفع می‌شوند و موجب خواهد شد تا نیمی از خسارت بدون جبران باقی بماند در حالی که بیمه گر حق بیمه کامل را دریافت کرده است پس برای حمایت از زیان دیدگان باید گفت هر راننده مسئول تمام خسارت طرف مقابل است

موجبات معافیت از مسئولیت

موجبات معافیت از مسئولیت در قواعد عام

چنان چه گفته شد مبنای مسئولیت راننده در قانون مجازات اسلامی نظریه خطر است و قانونگذار به تقصیر به عنوان شرط مسئولیت توجه نکرده است به همین جهت اثبات بی تقصیری به تنهایی موجب رفع مسئولیت راننده نمی‌شود بلکه عللی به عنوان دفاع پذیرفته میشود که رابطه سببیت میان ورود ضرر و فعل زیانبار راننده را قطع کند مثل قوه قاهره یا هر علت خارجی دیگر که در حکم قوه قاهره باشد. یعنی هر علت خارجی که غیر قابل اجتناب و پیش بینی باشد ماده ۵۰۵

البته ممکن است در مواردی تردید شود که آیا اوصاف قوه قاهره وجود دارد یا خیر مثلاً اگر سنگ از زیر چرخ وسیله نقلیه در حال حرکت خارج شود و به عابر اصابت کند و او را مصدوم نماید مسئول کیست؟ به نظر می‌رسد این تردید از غیرقابل پیش بینی بودن پرتاب سنگ از زیر چرخ اتومبیل ناشی می‌شود به هر حال می‌توان گفت در مواردی که حادثه قابل پیش بینی باشد مانند موقعی که اتومبیل در جاده شنی حرکت می‌کند قوه قاهره مصداق ندارد و راننده باید مسئول شناخته شود برخلاف موردی که راننده در خیابان آسفالت رانندگی می‌کند

موجبات معافیت در قانون بیمه اجباری شخص ثالث

در قواعد خاص برخلاف قواعد عام قوه قاهره به معنای خاص موجب معافیت بیمه گر از تعهد به جبران خسارت نمی‌شود بنابراین اثبات قوه قاهره موجب معافیت بیمه گر از جبران خسارت نمی‌شود البته باید متذکر شد که منظور از قوه قاهره هر علت خارجی غیرقابل دفع و غیر قابل پیش بینی نیست و تنها قوه قاهره به معنای خاص مد نظر است برخی حقوقدانان به تبع حقوق فرانسه معتقدند عیوب داخلی اتومبیل قوه قاهره محسوب نمی‌شود زیرا علت خارجی نیست به نظر می‌رسد این نظر قابل پذیرش نیست و مبنایی برای تفکیک وجود ندارد. به عبارت دیگر در این موارد هم علتی خارج از کنترل موجب حادثه می‌شود و داخلی بودن عیب موجب نمی‌شود که آن را در کنترل راننده و یا دارنده محسوب کنیم

البته تقصیر زیان دیده و شخص ثالث اگر اوصاف قوه قاهره را داشته باشد می‌تواند اصولاً موجب معافیت راننده شود هر چند قانونگذار در موارد خاصی برای آن که خسارت بدون جبران باقی نماند و زیان دیده حمایت شود شرکت‌های بیمه را موظف نمود تا خسارات به بار آمده را به رغم عدم تحقق مسئولیت جبران کنند که این امر جنبه استثنایی دارد و نیازمند تصریح قانونگذار است البته باید یادآور شد که منظور از شخص ثالث در این مطلب نمی‌تواند راننده ای باشد که اتومبیل دارنده را هنگام حادثه میرانده و خسارات ناشی از تقصیر او بوده لیکن هر گاه عمد راننده در ایجاد حادثه به اثبات برسد یا ثابت شود او در حالت مستی رانندگی می‌کرده و یا مواد مخدر و روانگردان استعمال نموده یا فاقد گواهینامه بوده یا راننده مسبب وسیله نقلیه را سرقت کرده و یا از مسروقه بودن آن آگاه بوده است در این موارد بیمه گر خسارت زیان‌دیده را جبران می‌کند پس از آن می‌تواند به مسئول حادثه رجوع کند

موارد خارج از شمول بیمه ماده ۱۷ قانون بیمه اجباری ۹۵

موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است

الف) خسارات وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه و محمولات آن

ب) خسارات مستقیم و غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو

پ) جریمه یا جزای نقدی

ت) اثبات قصد زیان‌دیده در ایراد صدمه به خود مانند خودکشی اسقاط جنین و نظایر آن و نیز اثبات هر نوع خود و تباری نزد مراجع قضایی

بنابراین اگر ثابت شود زیان‌دیده به عمد به خود زیان رسانده و قصد خودکشی از سقط جنین داشته است تعهدی بر عهده بیمه گر نخواهد بود. ذکر این مورد با توجه به اینکه خسارات بدنی راننده مسبب حادثه تحت پوشش قرار گرفته لازم بوده است

در بند ب جریمه یا جزای نقدی به کار رفته و معلوم نیست که آیا این دو کلمه به طور مترادف استعمال شده یا معنی آنها متفاوت است

گسترش مسئولیت صندوق در قانون جدید

فکر تاسیس صندوق برای جبران خسارات بدنی و حمایت از بزه دیدگان حوادث رانندگی اولین بار در قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۴۷ ظهور یافت و جبران خسارات بدنی تا حدی تضمین گردید

به منظور حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی خسارات های بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضای بیمه نامه بطلان قرارداد بیمه تعلیق تامين بیمه گر فرار کردن و یا شناخته نشدن مسئول حادثه و یا ورشکستگی بیمه گر قابل پرداخت

نباشد یا به طور کلی خسارت‌های بدنی خارج از شرایط بیمه نامه به استثنای موارد خارج از شمول بیمه توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تامین خسارتهای بدنی پرداخت خواهد شد

در قانون جدید نیز موارد مذکور جزء تعهدات صندوق است و افزون بر آن صندوق در مورد کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ دیه باید مابه التفاوت را به بیمه گر پرداخت نماید. مرکز اصلی صندوق تهران اصلی که در صورت لزوم با تصویب مجمع عمومی صندوق می‌تواند در مراکز استانها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطا کند. بر طبق ماده ۲۴ منابع مالی صندوق متعدد است و شامل ۸ درصد حق بیمه اجباری قانون / جریمه های ناشی از عدم تحصیل بیمه نامه توسط رانندگان وسایل نقلیه / ۲۰ درصد جریمه های وصولی راهنمایی و رانندگی / ۲۰ درصد کل هزینه های دادرسی و جزای نقدی وصولی قوه قضاییه و تعزیرات حکومتی و کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی و دولت و درآمد حاصل از سرمایه گذاری وجوه صندوق و مبالغ بازیافتی از اشخاص ذیربط است صندوق مکلف است بدون اخذ تضمین از زیان دیده یا مسبب حادثه خسارت بدنی زیان دیده را پرداخت نماید ولی پس از آن به قائم‌مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی وجوه پرداخته شده را یا از مسبب حادثه در صورتی که بیمه نامه ندارد یا باطل شده است یا منقضی شده است یا از بیمه گر یا مدیران آن دریافت کند

در مواردی هم امکان دریافت مبالغ پرداختی وجود ندارد مثل موردی که پرداختی صندوق به علت جبران کسری پوشش بیمه نامه ناشی از افزایش مبلغ ریالی دیه صورت گرفته باشد یا در مواردی که فعالیت شرکت بیمه معلق یا پروانه آن لغو شده باشد و یا حکم توقف و ورشکستگی بیمه گر صادر شده باشد و یا زیان دیدگان خارج از وسیله نقلیه بیش از سقف تعهدات بیمه گر یعنی بیش از ۱۰ نفر باشند

نوآوری های قانون بیمه اجباری ۹۵

در این قانون نوع تعهد دارنده وسیله نقلیه روشن شده است و تصریح کرده است که اگر دارنده راننده نباشد مسئولیت مدنی نخواهد داشت و تنها موظف به تحصیل بیمه‌نامه است

در ماده ۸ قانون جدید تصریح شده است که بیمه گذار موظف به اخذ الحاقیه نمی باشد بدین ترتیب با تغییر میزان ریالی دیه توسط قوه قضائیه تکلیفی برای پرداخت حق بیمه اضافی و اخذ الحاقی وجود نخواهد داشت

خسارات ناشی از وسایل نقلیه بر اثر حوادث غیر مترقبه تحت پوشش بیمه قرار گرفت و ابهام راجع به این مورد رفع شد

دارنده مکلف است برای پوشش خسارت های بدنی وارد شده به راننده مسبب حادثه هم، حداقل به میزان دیه مرد مسلمان در ماه غیر حرام بیمه حوادث اخذ کند

تصریح به مسئولیت عواملی غیر از راننده که موجب نقص راه / نقص علائم رانندگی / نقص تجهیزات / و یا عیب ذاتی وسیله نقلیه یا ایجاد مانع در راه شده‌اند

اگر حادثه در حین آموزش رانندگی و آزمون اخذ گواهینامه رخ دهد آموزش دهنده ی آزمون گیرنده، راننده و مسئول محسوب می‌شود

تعهد بیمه گر نسبت به زیان دیدگان داخل وسیله نقلیه مسبب حادثه و زیان دیدگان خارج وسیله به طور کامل معین شده

تصریح به اینکه بیمه گر یا صندوق حسب مورد مکلف خسارت بدنی تعلق گرفته به شخص ثالث را به قیمت یوم الادا پرداخت کند

در قانون جدید بر خلاف قانون پیشین مهلت‌های ۱۵ و ۲۰ روزه برای پرداخت خسارت به زیان دیدگان تعیین شده است که تخطی از آنها توسط بیمه گر یا صندوق تامین خسارت های بدنی موجب می‌شود تا جریمه معادل نیم در هزار به ازای هر روز تاخیر در حق زیان دیده یا قائم‌مقام وی معین گردد

بیمه گر و مسبب حادثه در صورت ورود خسارت مالی موظف به جبران همه خسارت‌های وارد شده نیستند و تنها تا میزان خسارت متناظر وارده به گرانترین خودروی متعارف یعنی خودرویی که قیمت آن کمتر از ۵۰ درصد سقف تعهدات بدنی است غرامت پرداخت می‌کنند

در صورت انتقال مالکیت وسیله نقلیه تخفیفاتی که به واسطه نداشتن حوادث منجر به خسارت در قرارداد بیمه موضوع این قانون اعمال شده باشد متعلق به انتقال دهنده است انتقال دهنده می‌تواند تخفیفات مذکور را به وسیله نقلیه دیگر از همان نوع که متعلق به او یا متعلق به همسر والدین و اولاد بلاواسطه به باشد انتقال دهد در قانون پیشین چنین تصریحی وجود نداشت و انتقال گیرنده وسیله نقلیه از آن بهره مند می‌شد

اگر راننده مسبب وسیله نقلیه را سرقت کرده و یا از مسروقه بودن آن آگاه باشد بیمه گر هر چند باید خسارت را جبران کنند لیکن می‌تواند به مقام به قائم‌مقامی زیان دیده از طریق مراجع قانونی به شخصی که موجب خسارت شده مراجعه کند

برابر ماده ۱۱ قانون بیمه اجباری ۹۵ درج هرگونه شرط در بیمه نامه که برای بیمه گذار یا زیان دیده مزایای کمتر از مزایای مندرج در این قانون مقرر کند یا درج شرط تعلیق تعهدات بیمه گر در قرارداد به هر نحوی باطل و بلااثر است. بطلان شرط سبب بطلان بیمه نامه نمی‌شود همچنین اخذ هرگونه رضایت نامه از زیان دیده توسط بیمه گر و صندوق مبنی بر رضایت به پرداخت خسارت کمتر از مزایای مندرج در این قانون ممنوع است و چنین رضایتنامه بلا اثر است

اسناد پرداخت خسارت از سوی بیمه گر و صندوق در حکم سند لازم الاجرا است و از طریق دوایر اجرای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور قابل مطالبه و وصول می‌باشد